

رویکردهای تفسیر قرارداد:

بافت‌گرایی و متن‌گرایی، با تأکید بر قصد طرفین*

- محسن اکبری^۱
- امیرعباس بزرگمهر^۲
- محمود حبیبی^۳

چکیده

تفسیر قرارداد از مهم‌ترین مباحث در حقوق قراردادهاست. طرفین قرارداد ممکن است در معنای الفاظ و عبارات قرارداد اختلاف کنند. اختلاف در قرارداد، اجرای تعهدات قراردادی را با مانع روبه‌رو می‌کند و دادگاه‌ها برای حل اختلاف و اجرای تعهدات قراردادی باید قرارداد را تفسیر کنند. کشف قصد مشترک طرفین، مهم‌ترین هدف تفسیر است. متن‌گرایان و بافت‌گرایان هر دو داعیه کشف قصد

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۹.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران (l.akbari57@gmail.com).
۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (drabozorgmehr@gmail.com).
۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران (dr.habibi99@yahoo.com).

طرفین را دارند. متن گرایان قصد عینی را همان قصد واقعی طرفین تلقی و آن را در متن قرارداد جستجو می‌کنند. در مقابل، بافت‌گرایان قصد ذهنی را اراده واقعی و اصیل طرفین قرارداد دانسته، متن قرارداد را بدون توجه به بافتی که قرارداد در آن شکل گرفته است، منبعی ناقص می‌دانند. در این مقاله، کشف قصد واقعی ذیل اصل آزادی و حاکمیت اراده به عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌های نظام‌های حقوقی در حوزه حقوق قراردادها مفروض است. از این رو، میزان توانایی وصول به قصد واقعی، ملاک اصلی ارزیابی هر یک از این رویکردهاست. رویکرد بافت‌گرا با به کارگیری ادله گسترده، توانایی و دقت بیشتری در کشف قصد واقعی طرفین دارد. اگرچه رویکرد متن‌گرا در مواردی با قصد واقعی طرفین منطبق است، به دلیل محدودیت در منابع مورد استناد، توفیق چندانی در کشف قصد واقعی طرفین ندارد. در این پژوهش با اتکا به روش توصیفی - تحلیلی و با ارزیابی قواعد هر یک از این رویکردها می‌توان گفت نظام‌هایی که قرارداد را صرفاً ابزاری برای تحقق بخشیدن به ارزش‌های اقتصادی در معاملات می‌دانند، بیشتر به رویکرد متن‌گرا متمایل‌اند. در مقابل، در نظام‌هایی که در آن‌ها قرارداد خود واجد ارزش ذاتی است و تحقق قصد طرفین فارغ از ارزش‌های اقتصادی موضوعیت دارد، به رویکرد بافت‌گرا اقبال بیشتری دارند. بر این اساس، به نظر نگارندگان، پایان دادن به جدال ناتمام متن‌گرایی و بافت‌گرایی در گرو بررسی اولویت‌های ارزشی یک نظام حقوقی در حوزه حقوق قراردادهاست؛ مسئله‌ای که در پژوهش‌های دو دهه اخیر مغفول مانده است.

واژگان کلیدی: تفسیر قرارداد، قصد عینی، قصد ذهنی، متن‌گرایی، بافت‌گرایی.

۱. مقدمه

قرارداد، تجلی حاکمیت اراده اشخاص بر روابط اقتصادی آنان است. در قرارداد، اشخاص حق دارند آزادانه اراده خود را اعمال کنند. این حق برگرفته از حق کرامت انسانی و حق مالکیت است. قرارداد انتظارات متعارف و معقولی را برای طرفین ایجاد می‌کند و از این جهت اشخاص می‌توانند به اجرای آن اعتماد کنند (Barak, 2005: 318); چرا که آنان از طریق زبان مشترک، رابطه قراردادی خود را شکل داده‌اند. الفاظ و عبارات، حاوی معنایی در ذهن هر یک از طرفین است که از طریق آن‌ها، معانی را به

یکدیگر منتقل می‌کنند. برخی اوقات، معانی ذهنی که هر یک از طرفین از الفاظ و عبارات قرارداد برداشت می‌کنند، با طرف دیگر متفاوت است و تأکید هر طرف بر معنای مورد نظر خود، مانع اجرای تعهدات قراردادی می‌شود. در چنین شرایطی، اختلافات قراردادی بروز می‌یابند (Klass, 2020: 19). برای حل اختلافات قراردادی، دادگاه باید دست به «تفسیر»^۱ قرارداد بزند.

در حقوق قراردادها، توجه به اصل آزادی اراده در نظر حقوق‌دانان اهمیت اساسی دارد. تحقق بخشیدن به این اصل، از ارزش‌های مهم نظام‌های حقوقی است. از این رو، هنگام بروز اختلافات قراردادی نیز هدف اصلی، کشف قصد طرفین است و ملاک تفسیر «صحیح» احراز و کشف آن است. اما پرسش این است که چگونه می‌توان به قصد طرفین دست یافت و مفسر برای دستیابی به این مهم باید به چه منبع یا منابعی رجوع و به کدام ادله توجه کند؟ عده‌ای قصد طرفین را در الفاظ و عبارات قرارداد متبلور می‌دانند و عده‌ای دیگر، کشف قصد طرفین را در گستره وسیع‌تری جستجو می‌کنند و متن قرارداد را برای احراز قصد طرفین کافی نمی‌دانند. دسته اول را متن‌گرا و رویکرد آنان را «متن‌گرایی»^۲ و دسته دوم را بافت‌گرا و رویکرد آنان را «بافت‌گرایی»^۳ می‌نامند. وجه تمایز این رویکردها در اهمیت دادن به «متن» قرارداد به عنوان منبع اصلی تفسیر، یا «بافتی»^۴ است که متن در آن شکل گرفته است.

این رویکردها را از دیدگاه‌های مختلفی می‌توان ارزیابی کرد. سطح فلسفی و زبان‌شناختی از عمیق‌ترین لایه‌های بررسی است. در این سطح، پرسش اساسی این است که آیا کلمات معنای تحت‌اللفظی دارند یا اینکه معنای حقیقی همیشه برگرفته از بافت است؟ (Mitchell, 2015: 233). اگرچه پاسخ به این پرسش می‌تواند در نقد و بررسی حقوقی مؤثر افتد، ورود به این سطح نیازمند پژوهشی عمیق و فلسفی است که این مقاله در پی آن نبوده است. دیدگاهی دیگر از جنبه اقتصادی به تفسیر می‌پردازد.

1. Interpretation.
2. Textualism.
3. Contextualism.
4. Context.

این دیدگاه، رویکردهای تفسیری را بر اساس متغیرهای کارایی^۱ و هزینه‌های اقتصادی و سود حداکثری طرفین قرارداد نقد و بررسی می‌کند. تحلیل اقتصادی نیز مستلزم تعریف مفاهیم اقتصادی است که از مأموریت این مقاله خارج است. در نهایت، این رویکردها را از منظر حقوق قراردادهای و با تأکید بر قصد طرفین نیز می‌توان نقد کرد، که این مقاله در مقام بررسی آن است.

بین مدافعان متن‌گرایی و بافت‌گرایی، بحث‌های نسبتاً طولانی در گرفته است. در دو دهه اخیر، برای برون‌رفت از جدال بی‌پایان این دو رویکرد، جریان‌های مختلفی بروز و ظهور یافته‌اند. عده‌ای از منظر تحلیل اقتصادی و داده‌های تجربی، متن‌گرایی (به ویژه معاملات بین شرکت‌های تجاری) را رویکرد قابل دفاعی می‌دانند. در نظر اینان، طرفین برای رسیدن به حداکثر سود ترجیح می‌دهند که دادگاه‌ها قواعد متن‌گرایانه را در تفسیر به کار گیرند (Cf. Schwartz & Scott, 2003). عده‌ای با ایجاد توازن بین عناصر و قواعد متن‌گرایی و بافت‌گرایی، رویکردی بینابین را پیشنهاد داده‌اند. اینان با ایجاد محدودیت در استناد به منابع خارج از قرارداد و اتکا به داده‌های عینی، بافت‌گرایی را تعدیل کرده‌اند (Cf. Burton, 2009). برخی دیگر با رد تقابل بین متن‌گرایی و بافت‌گرایی، رویکرد واحدی را صورت‌بندی کرده‌اند (Cf. Catterwell, 2020). در نهایت، برخی دیگر التزامی بر به کارگیری یکی از این دو رویکرد ندارند و بسته به نوع قرارداد، هر دو را در جای خود کارآمد می‌دانند (Cf. Cunningham, 2018). معرفی و نقد هر یک از این جریان‌ها در خور مقاله‌ای مستقل است.

در حقوق ایران و در منابع فارسی، پژوهشی مستقل درباره متن‌گرایی و بافت‌گرایی صورت نگرفته است؛ اما با مرور این منابع ملاحظه می‌شود که اصول و قواعد تفسیری - اگرچه به صورت پراکنده - موضوع پژوهش‌های زیادی بوده است. قریب به اتفاق این پژوهش‌ها اعم از کتب و مقالات، از جهاتی ناقص و دارای ضعف‌اند. این مقاله در صدد است کاستی‌های پژوهش‌های پیشین را از چند جهت به شرح زیر جبران کند، تا موضوع تفسیر قرارداد به بهترین نحو تبیین شود.

1. Efficiency.

قصد طرفین در اکثر نظام‌های حقوقی جایگاهی والا دارد. از این رو، قواعدی که می‌توانند قصد طرفین را در قرارداد احراز کنند، در تفسیر قرارداد اولویت دارند. اما انتخاب چند قاعده تفسیری به صورت پراکنده و بدون اینکه مشخص شود هر قاعده مبتنی بر چه رویکرد تفسیری است، راهگشا نیست؛ چه اینکه رویکردهای عمده تفسیری نیز هر یک داعیه کشف قصد طرفین را دارند؛ چنان که در دو دهه اخیر، طرفداران دو رویکرد مهم متن‌گرایی و بافت‌گرایی، بحث‌های گسترده‌ای را مطرح کرده و با استدلال‌های مختلف سعی داشته‌اند غلبه خود را بر دیگری اثبات نمایند.

در این پژوهش در وهله اول نشان داده شده که متن‌گرایی و بافت‌گرایی، هر دو مدعی‌اند که به بهترین وجه می‌توانند قصد طرفین را احراز کنند؛ با این تفاوت که متن‌گرایان مهم‌ترین منبع را برای کشف قصد طرفین، متن می‌دانند و در مقابل، بافت‌گرایان بر این باورند که متن قرارداد بدون توجه به بافت آن (عوامل خارج از متن) فاقد معناست و به قصد واقعی طرفین، هنگامی می‌توان دست یافت که بافت و زمینه عبارات و الفاظ - به کاررفته در قرارداد- در نظر گرفته شود.

در وهله دوم، مفاهیم و قواعد مرتبط با این رویکردها تبیین و تحلیل شده است و در نهایت، وجوه برتری هر یک از رویکردهای متن‌گرایی و بافت‌گرایی بحث شده است. اگرچه، فارغ از نگاه کلان به نظام‌های حقوقی، رویکرد بافت‌گرا توفیق بیشتری در کشف قصد طرفین دارد، تحلیل رویکردهای متن‌گرا و بافت‌گرا و قواعد مرتبط با آن‌ها در این پژوهش، خواننده را به این امر سوق می‌دهد که در این سطح از بحث شاید بتوان به نوعی قائل به تکافوی ادله شد. به عبارت دیگر، برتری هر یک از این رویکردها نیاز به معیاری فراتر دارد و نقد درونی رویکردها نمی‌تواند پاسخگوی مسئله باشد. این برتری بستگی وثیق به ارزش‌های هر نظام حقوقی دارد. رویکرد غایت‌مدار در قراردادها خود بسنده است و می‌تواند نفع و سود حداکثری طرفین در قراردادها را نادیده بگیرد. در حالی که در نگاه ابزاری به قرارداد، نفع اقتصادی به عنوان پیش‌فرض طرفین در انعقاد و تفسیر قرارداد در نظر گرفته می‌شود. با این اوصاف، این مقاله می‌تواند گامی برای جهت‌دهی به پژوهش‌های آتی بردارد؛ به نحوی که پژوهشگران با تدقیق در ارزش‌های نظام‌های حقوقی، رویکرد تفسیری کارآمد و متناسب با هر نظام حقوقی را

اتخاذ و قواعد مرتبط با آن رویکردها را برگزینند.

چنان که در بخش بعد خواهد آمد، در پژوهش‌هایی که تا کنون انجام شده است، ضرورتی به طرح رویکردهای مهم تفسیری دیده نشده و در اغلب آن‌ها صرفاً به چند تکنیک و اصول تفسیری بسنده شده است و هیچ یک به مفاهیم و قواعدی چون «شرط یکپارچگی»، «تفسیر در چارچوب قرارداد»، «منع استماع ادله خارج از قرارداد» و «معنای متعارف و آشکار» پرداخته و می‌توان گفت که هر یک به نحوی موضوعات قبلی را با زبانی دیگر تکرار کرده است.

در بخش‌های بعد ضمن تعریف مفاهیم اولیه همچون تفسیر و هدف از تفسیر، تلاش شده است رویکردهای متن‌گرا و بافت‌گرا، مبانی هر یک از این رویکردها و قواعد مرتبط با آن‌ها نقد و بررسی، و با تکیه بر قصد طرفین قرارداد، میزان توفیق هر یک از این رویکردها با روشی تحلیلی ارزیابی شود.

۲. پیشینه تحقیق

در حقوق ایران اگرچه تفسیر قرارداد، موضوع پژوهش‌های مختلفی قرار گرفته است، تقریباً قریب به اتفاق پژوهش‌ها اعم از کتب و مقالات از جهاتی ناقص و دارای ضعف‌اند. در آثار حقوق‌دانانی چون کاتوزیان، شهیدی و امامی، موضوع تفسیر قراردادها به عنوان بحثی فرعی و مختصر ذیل بحث قواعد عمومی قراردادها و اصول قراردادها و تعهدات آمده است. کاتوزیان ضمن پرداختن به دشواری احراز قصد مشترک دو طرف، به تعریف تفسیر قرارداد پرداخته و جستجوی قصد مشترک و تفسیر نوعی و اجتماعی (آزاد) را دو شیوه تفسیری متمایز دانسته است. او در تفسیر قرارداد به فروض مختلفی چون قرارداد بدون ابهام، قرارداد مبهم و قرارداد ناقص اشاره کرده و با معیارهایی چون عرف، انصاف و روح قانون سعی داشته شیوه‌های تفسیر در قرارداد را بیان کند (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۴-۵۸). وی همچنین در مقاله «تفسیر قرارداد» ضمن تأکید بر اهمیت اراده طرفین قرارداد، دیدگاهی را که به تمجید اراده طرفین در قرارداد می‌پردازد، نشئت گرفته از عقاید فردگرایان شمرده و جنبه‌های عادلانه و اجتماعی قرارداد را نشئت گرفته از رویکرد اجتماعی به قرارداد دانسته و با ذکر نمونه دعاوی و

آراء قضایی، برخی از مفاهیم مانند شرط «تفسیر به نفع بیمه گذار» و همچنین مفاهیمی چون تبعیت قصد از عقد، دو رویکرد فردگرایانه و اجتماعی را شرح داده است (ر.ک: همو، ۱۳۸۴). شهیدی پس از تعریف تفسیر قرارداد، اراده مشترک انشاکنندگان را مدار تفسیر قرارداد دانسته و وسایل تفسیر را تحت سه عنوان کلمات و قرائن حالی و مقالی، مقررات قانونی و در نهایت عرف قرار داده است (ر.ک: شهیدی، ۱۳۹۱: ۲۹۲-۳۳۱). امامی نیز ذیل بحث اثر معاملات، اجمالاً به اختلاف طرفین راجع به مفاد سند پرداخته و صرفاً با اشاره به ماده ۲۲۴ قانون مدنی، این ماده را حاوی یک اصل حقوقی برای حل اختلافات قراردادی دانسته است (ر.ک: امامی، ۱۳۸۹: ۲۸۳-۲۸۴). در کتاب *تفسیر قراردادهای تجاری بین‌المللی* با تکیه بر نظریه‌های «تفسیر بر اساس قصد مشترک طرفین» و تفسیر بر اساس «عرف و مصالح اجتماعی»، مؤلف به ابزار و منابع تفسیر قراردادها از جمله متن قرارداد، مذاکرات مقدماتی طرفین، کنوانسیون‌ها و عرف، و در بخش دوم به معرفی اصول و قواعد تفسیری چون اصل حسن نیت، اصل تفسیر در پرتو کل قرارداد، اصل صحت در تفسیر قرارداد، و اصل تفسیر به زیان تنظیم‌کننده پرداخته است. ایجاد ارتباط مبانی نظری با اصول تفسیری به تفکیک هر یک از نظریات را می‌توان از جمله مهم‌ترین موضوعاتی دانست که در این کتاب مغفول مانده است (ر.ک: حبیبی، ۱۳۹۲: ۶۳-۲۵۳).

از دیگر کتبی که به طور مختصر و در ذیل آثار قراردادها به موضوع تفسیر پرداخته‌اند، می‌توان به *حقوق تعهدات* و نیز *تحلیل اقتصادی حقوق قراردادها* اشاره کرد. در کتاب *حقوق تعهدات*، تفسیر قرارداد با مقایسه تطبیقی بین قانون فرانسه، اسناد بین‌المللی و حقوق ایران بحث شده و منبع اصلی برای تبیین تفسیر قرارداد، متن قوانین و مقررات یاد شده است. نویسندگان، اصول تفسیری چون اصل «در نظر گرفتن کل قرارداد به عنوان مجموعه‌ای واحد» و در نظر گرفتن اصل انصاف، عدالت و عرف در تفسیر قرارداد در برابر تفسیر تحت‌اللفظی و قاعده «تفسیر به ضرر تنظیم‌کننده قرارداد» را از قوانین و مقررات استخراج و به طور مختصر بدان‌ها پرداخته‌اند (ر.ک: شعاربان و ترابی، ۱۳۹۳: ۳۰۸-۳۳۴). در کتاب *تحلیل اقتصادی حقوق قراردادها* در فصل اول از بخش سوم تحت عنوان «تحلیل اقتصادی تفسیر قراردادها»، به تبیین تفسیر قرارداد پرداخته شده است. مؤلف در شرح مبانی نظری، به صورت مختصر و بدون تبیین رویکردهای مهم تفسیری،

متن‌گرایی را در برابر سنت‌گرایی قرار داده و بی‌آنکه رویکرد مقابل آن یعنی بافت‌گرایی را مطرح کند، به صورت مختصر به دو قاعده تفسیری به صورت پراکنده و بعضاً با ترجمه نادرست اشاره کرده است. در بخش‌های دیگر نیز صرفاً به برخی از مفاهیم اقتصادی و نحوه به کارگیری آن‌ها در تفسیر قرارداد پرداخته شده است (ر.ک: انصاری، ۱۳۹۳: ۴۰۷-۴۹۰). برخی از کتب نیز که در دهه ۷۰ شمسی نوشته شده‌اند - و ارجاعاتی نسبتاً گسترده در مقالات به آن‌ها به چشم می‌خورد - از قواعد اصولی و لفظی معرفی شده در علم اصول نیز در تبیین تفسیر استفاده کرده‌اند (ر.ک: صاحبی، ۱۳۷۶). برخی دیگر، اصول و تکنیک‌های تفسیری را به تفکیک فروض و شقوق مختلف با نگاهی تطبیقی بررسی کرده‌اند (ر.ک: قشقایی، ۱۳۷۸).

پژوهش‌هایی را که در سال‌های اخیر در حوزه تفسیر قراردادها نوشته شده‌اند، می‌توان در دو دسته قرار داد؛ موضوع برخی از آن‌ها تفسیر قرارداد است و برخی دیگر صرفاً اصل یا قاعده‌ای از تفسیر قرارداد را به صورت موردی بحث کرده‌اند. چنان‌که برخی تفسیر قرارداد را از منظر امکان اثربخشی به نتایج غیر منطقی در آن بررسی کرده‌اند. نحوه انتخاب قواعد تفسیری در دیوان‌های داوری بین‌المللی، اصول کلی تفسیر قرارداد از جمله «حسن‌نیت»، اصل «اثر مفید»، «رفتار بعدی طرفین قرارداد»، «تفسیر یکنواخت» و اصل «تفسیر علیه تنظیم‌کننده قرارداد» در رویه داوری تجاری بین‌المللی، از جمله موضوعات مورد بحث است (ر.ک: مافی و کدیور، ۱۳۹۷). در برخی از پژوهش‌ها با رویکرد تطبیقی، دو مکتب تفسیر لفظی و تحقیق علمی آزاد معرفی شده‌اند و نویسندگان با تأکید بر اراده مشترک طرفین و اشاره به نظریه‌های اراده باطنی و اراده ظاهری، برخی اصول مورد استفاده در تفسیر از جمله اصل «حمل الفاظ بر معانی عرفی» را مطرح و ابزارهای تفسیری خارج از قرارداد را شامل قانون عرف و انصاف دانسته‌اند (ر.ک: علومی یزدی و بابازاده، ۱۳۸۹؛ علوی و بابازاده، ۱۳۸۹). در پژوهشی دیگر با تأکید بر اهمیت قصد مشترک طرفین، موضوعاتی چون مذاکرات مقدماتی، نوع قرارداد، و روابط قراردادی، از جمله عوامل مؤثر بر تفسیر دانسته شده‌اند (ر.ک: داراب‌پور، ۱۳۸۹). برخی نیز با اشاره به دو نظریه فردگرایی و اجتماع‌گرایی، به اراده باطنی و اراده ظاهری اشاره کرده و با تأکید بر اراده فرضی بر مبنای نظریه اجتماعی شدن حقوق

قراردادها، تفسیر قرارداد بر اساس مصالح و منافع اجتماعی را در حقوق امروز ضروری دانسته‌اند (ر.ک: افضل‌ی و دیگران، ۱۳۹۸).

در دسته‌ای دیگر از پژوهش‌ها، یکی از قواعد یا مفاهیم مرتبط با تفسیر، بحث و بررسی شده است؛ چنان که در پژوهشی با طرح دو نظریه اراده باطنی و اراده ظاهری در تفسیر قرارداد، دو معیار شخصی و نوعی و نیز معیار مختلطی در تفسیر قرارداد مطرح، و با رویکرد تطبیقی به کنوانسیون وین و مواد آن، معیار قصد نوعی و قصد شخصی بحث شده است (ر.ک: اصغری آق‌مشهدی و تقی‌پور درزی نقیبی، ۱۳۹۶). در پژوهشی دیگر بر مبنای مبحث تعارض ادله در اصول فقه، پیشنهادهای برای حل تعارضات قراردادی ارائه شده است (ر.ک: شیری و دیگران، ۱۳۹۴). برخی دیگر بر اساس اصل صحت تأکید کرده‌اند در مواردی که رسیدن به قصد مشترک طرفین با مشکل مواجه می‌شود، اصل صحت می‌تواند به تفسیری منتهی شود که اثر حقوقی داشته باشد یا لغو و بیهوده نباشد (ر.ک: طباطبائی و آرابی، ۱۳۹۰). در همین راستا، برخی انصاف و حسن‌نیت را ابزاری برای تفسیر قرارداد دانسته و مورد بحث قرار داده‌اند (ر.ک: کرمی کلمتی و گندمکار، ۱۴۰۰).

عمده‌ترین نقطه ضعف آثار یادشده، ضعف نظری است؛ به این معنا که این آثار بیشتر در صدد معرفی اصول و تکنیک‌های تفسیری بوده‌اند و طرح مبانی نظری تفسیر در آن‌ها مغفول مانده است و معرفی و نقد دو جریان مهم نظری متن‌گرایی و زمینه‌گرایی - که در دو دهه اخیر در سطح جهانی مطرح بوده‌اند- در این آثار دیده نمی‌شود. در برخی از مقالات نیز که مختصراً به نظریه‌ها پرداخته شده است، صرفاً به مکتب تفسیر لفظی و تفسیر اجتماعی و آزاد بسنده شده و در برخی موارد به مکتب اصالت فرد و اجتماع محدود گردیده است. صرف‌نظر از اینکه این رویکردها بیشتر در تفسیر قوانین پرکاربرد است، در بسیاری از موارد به دلیل فقدان ارتباط نظری مستقیم با تفسیر قرارداد، نمی‌توان قواعد تفسیر قرارداد را از آن‌ها استخراج کرد. ضعف دیگر این آثار که به دلیل فقر نظری ایجاد شده، این است که تکنیک‌ها و اصول تفسیری به صورت پراکنده و جدا از مبنای نظری مطرح شده‌اند و معلوم نیست که اصول و قواعد، منبعث از کدام رویکرد نظری هستند. همچنین در بسیاری از موارد، تکنیک‌های تفسیری با قواعد تفسیری خلط و در برخی موارد یکسان پنداشته شده‌اند. بر این اساس، آنچه این

پژوهش را از سایر پژوهش‌ها متمایز می‌کند، در وهله اول، طرح رویکردهای مهم تفسیری و بررسی قواعد مرتبط با هر رویکرد است. نکته مهم‌تر اینکه این پژوهش با تأکید بر قصد، توانایی و قدرت، هر دو رویکرد متن‌گرایی و زمینه‌گرایی را در امکان کشف و احراز قصد مشترک طرفین قرارداد مورد ارزیابی قرار داده است؛ امری که در هیچ یک از پژوهش‌های پیش‌گفته ملاحظه نمی‌شود.

۳. هدف و چیستی تفسیر قرارداد

هدف و چیستی تفسیر قرارداد، از این جهت که پایه چارچوب نظری قرارداد است، اهمیت زیادی دارد. به عبارت دقیق‌تر، هر رویکردی متضمن تعریف خاصی از تفسیر است و هدفی را دنبال می‌کند و برعکس هر تعریفی نیز حاوی رویکردی خاص است. زبان ظرفی برای بیان معناست. اشخاص معنا را از طریق کلمات می‌فهمند و از این طریق، منظور و قصد طرف مقابل را درک می‌کنند. در قرارداد، یک طرف معنای مورد نظر خود را از طریق کلمات و جملاتی که برمی‌گزینند، به طرف دیگر منتقل می‌کند و طرف دیگر نیز معنا را از طریق همان کلمات و جملات بازسازی می‌کند (Peller, 1985: 1161). از این رو، معنا نقشی کلیدی در ارتباط بین اشخاص دارد.

منشأ بسیاری از اختلافات قراردادی مربوط به ناپایداری زبان است. این اختلافات از مسائلی همچون «ابهام»^۱ آغاز شده، تا مسائلی مانند عدم شفافیت در نوشتن شروط و پیش‌نویس‌های ناقص گسترش می‌یابد (Mitchell, 2019: 17-19). به نظر می‌رسد دلیل اصلی این اختلافات، امکان حمل الفاظ و عبارات قرارداد بر معانی مختلف است. هنگامی که طرفین قرارداد، معانی متفاوتی را بر الفاظ و عبارات حمل می‌کنند، اختلاف رخ می‌دهد. در اینجا ضرورت دارد دادگاه به اختلافات پایان دهد و زمینه اجرای مفاد قرارداد را فراهم کند. مواجهه دادگاه با این اختلافات و حل آن نیازمند تفسیر است. حال باید دید که هدف از تفسیر قرارداد چیست و تفسیر قرارداد بر چه عمل یا فرایندی اطلاق می‌شود؟

1. Ambiguity.

۱-۳. هدف از تفسیر قرارداد

به طور کلی می‌توان گفت هدف از تفسیر «به درستی روشن کردن مضمون و مفاد قرارداد» است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۴). اما این توضیح کافی و وافی به مقصود نیست و باید پرسید که دادگاه با چه هدفی، مضمون و مفاد قرارداد را روشن می‌سازد؟ تضمین «آزادی اراده» به عنوان هدفی اساسی در حقوق قراردادها، نقطه عزیمت پرسش‌ها و رویکردهای تفسیر است. قرارداد بیانگر اراده اشخاص است و باید به نحوی تفسیر شود که کاشف از قصد و اراده طرفین باشد (Barak, 2005: 318)؛ چرا که طرفین، تعهدات قراردادی را داوطلبانه انتخاب می‌کنند. از این رو برای تحقق اصل آزادی اراده، دادگاه‌ها به دنبال احراز قصد و اراده طرفین‌اند و هدف از تفسیر، اجرای قرارداد بر اساس قصد طرفین قرارداد است. با این وصف، قرارداد به مثابه نوعی قانون خصوصی حاکم بر طرفین است و دادگاه نمی‌تواند تعهدی خارج از قرارداد را بر طرفین تحمیل کند؛ بلکه وظیفه دارد انتخاب اولیه آنان را اجرایی نماید (Klass, 2018: 1). بر این اساس، تأکید شده است که سنگ بنای تفسیر قرارداد، احترام به قصد طرفین است (Kraus & Scott, 2009: 1103).

هدف از تفسیر قرارداد، یافتن راه حل برای رفع اختلافات قراردادی است که از طریق رجوع به قصد طرفین به دست خواهد آمد. بسیاری از نظام‌های حقوقی در این امر اتفاق نظر دارند (Schwartz & Scott, 2003: 568). توجه به قصد در نظر برخی به قدری اهمیت دارد که طرفین بر اساس آن حتی می‌توانند قواعد حاکم بر تفسیر قرارداد را نیز انتخاب کنند (Kraus & Scott, 2009: 1103).

۲-۳. چیستی تفسیر قرارداد

این پرسش که آیا تفسیر حاوی اصول و قواعد تفسیری مشترکی است که در همه حوزه‌ها کاربرد دارد، بسیار اساسی است. تفسیر متضمن بحث‌های گسترده‌ای است و پرسش‌های بنیادینی را پیش رو قرار می‌دهد؛ از جمله اینکه تفسیر چیست؟ و آیا نظریه‌ای عمومی برای تفسیر وجود دارد که بتواند همه متون اعم از حقوقی و ادبی را در بر گیرد؟ برخی بر این باورند که تفسیر به بافتی که متن در آن به وجود آمده، بستگی وثیقی دارد.

برای مثال، تفسیر متون حقوقی همیشه مرتبط با یک قدرت عمومی است، در حالی که تفسیر متون ادبی چنین قدرت حاکمه‌ای را در بالای سر خود ندارد؛ حتی تفسیر متون حقوقی بسته به بافت آن، قواعد خاص خود را دارد تا جایی که تفسیر یک قرارداد با تفسیر یک ماده قانونی بسیار متفاوت است. قرارداد در یک بافت بسیار گسترده شامل مذاکرات اولیه، قواعد تجاری، عرف و زبان خاص طرفین و مانند آن به وجود می‌آید که این بافت در بدو امر نزد قاضی وجود ندارد و باید با شواهد مختلف بازسازی شود. با این وصف، تفسیر قرارداد ویژگی‌های منحصر به فردی دارد و آن را از تفسیر سایر متون متمایز می‌سازد (Mitchell, 2019: 7). بنابراین اگرچه در رویکردهای تفسیری، نوعی همپوشانی وجود دارد، قواعد و اصول مستخرج از هر رویکرد در حوزه‌های مختلف متفاوت است.

آنچه در همه تعریف‌های تفسیر وجود دارد، عنصر «معنا» است. در فرهنگ‌های حقوقی، تفسیر به عملی برای توضیح یا بیان معنای یک سند مانند قرارداد به ویژه برای تعیین قصد و نیت تنظیم‌کننده سند معنا شده است. واژه «معنا»^۱ خود واژه‌ای مبهم است که دارای مفاهیم متعددی است. در اینجا معنا به مفهوم فلسفی و زبان‌شناختی آن نیست، بلکه در تفسیر قرارداد، معنا با درک طرفین از شروط و عبارات قراردادی سروکار دارد (Yalim, 2019: 5). گفته شده که تفسیر فرایندی است برای نسبت دادن معنا به یک موضوع در جایی که تردید یا اختلاف‌نظری در مورد آن موضوع وجود دارد (Mitchell, 2019: 10). مفسر باید با ملاحظه الفاظ و عبارات قرارداد، یک معنای واحد و غالب را کشف کند تا بتواند اثر حقوقی را بر توافق و قرارداد بار کند (Murray & Murray, 2017: 512). این امر دشواری تفسیر در قرارداد را بیش از پیش نمایان می‌سازد. به عبارت دیگر در قرارداد باید قصد مشترک طرفین که حاوی معنای واحد است، احراز شود. از این رو، برخی بر این باورند که تفسیر قرارداد فرایندی است که طی آن، شخصی نشانه‌های ابرازشده توسط شخصی دیگر را معنا می‌کند. این نشانه‌ها غالباً الفاظ یا عبارتی هستند که به صورت شفاهی یا کتبی بیان می‌شوند؛ اما

1. Meaning.

انجام دادن یا خودداری از انجام افعال هم نشانه‌هایی هستند که نیازمند تفسیر می‌باشند (Corbin, 1960: 3:2).

در تفسیر قرارداد، اینکه مفسر چه محدودیت‌هایی برای تفسیر دارد، محل اختلاف است. قدر متیقن این است که مفسر نمی‌تواند در تفسیر قرارداد معانی و تعهدات جدیدی را ایجاد کند. به عبارت دیگر، خلق یک قرارداد جدید از حوزه تفسیر خارج است. مهم‌ترین نکته و دشواری در این فرایند آن است که مفسر باید بتواند بین آزادی اراده و محدودیت‌های کارکرد تفسیر، نسبت منطقی برقرار کند (Mitchell, 2019: 10).

حقوق دانان در تعریف تفسیر قرارداد در میزان توجه به «قصد ذهنی»^۱ (واقعی) و در امکان و طریق رسیدن به آن اختلاف نظر دارند. برخی قصد ذهنی طرفین را در تعریف تفسیر لحاظ کرده‌اند و برخی دیگر «قصد عینی»^۲ (ظاهری) را مرکز توجه قرار داده و تفسیر قرارداد را تعیین معنای کلمات و عبارات قرارداد فارغ از قصد (ذهنی) دانسته‌اند (Orsinger, 2007: 9). در این دیدگاه، الفاظ و عبارات تعیین کننده قصد طرفین است؛ حتی اگر با قصد ذهنی آنان هماهنگ نباشد. از این جهت، تشخیص معنای قرارداد از منظر شخصی متعارف و منطقی با زمینه دانش و اطلاعات مرتبط با قرارداد در زمان انعقاد و تنظیم آن مورد توجه قرار گیرد (Hutchison, 2017: 458). در اینجا، قصد ذهنی مطمح نظر نیست و معنایی که یک شخص متعارف و معقول از الفاظ و عبارات قرارداد برداشت می‌کند، مورد نظر است. در همین رابطه گفته شده که تفسیر قرارداد، معنا دادن به شروط و تعهدات قراردادی است از طریق وسایلی که دو طرف برای مقصود خود برگزیده‌اند؛ با این توضیح که در معنا دادن به شروط قرارداد، دادگاه ناگزیر است به ظاهر الفاظ و عبارات قرارداد استناد کند (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۴).

در مقابل، برخی دیگر با تأکید بر قصد ذهنی (واقعی) طرفین و مبنا قرار دادن آن، تفسیر را «تشخیص ماهیت و مفاد قرارداد بر اساس اراده [واقعی] مشترک انشاکنندگان آن و مقررات قانونی» دانسته‌اند. در این دیدگاه، قصد عینی (ظاهری) در تشکیل عقود و تفسیر قرارداد محل اعتنا و توجه نیست؛ بلکه قصد واقعی طرفین در تفسیر اهمیت دارد

1. Subjective intent.
2. Objective intent.

(شهیدی، ۱۳۹۱: ۲۹۲ و ۲۹۴). بنابراین اگرچه هدف از تفسیر در نگاه نخست، تعیین معنای کلمات مورد استفاده طرفین است، کلمات در اینجا صرفاً به عنوان راهنما و طریقی برای رسیدن به معنای مورد نظر آنان هستند و در هنگام وقوع اختلاف، وظیفه دادگاه تعیین معنای کلمات بر مبنای قصد واقعی طرفین است (McLauchlan, 2009: 50). از همین رو گفته شده که متن، معنای مقصود نویسنده آن است (Fish, 2005: 640). کلمات به تنهایی معنایی ندارند و نمی‌توانند دلالت بر قصد داشته باشند. تشخیص معنای الفاظ و عبارات فارغ از قصد نویسنده (طرفین قرارداد) امکان‌پذیر نیست. بی‌توجهی به قصد نویسندگان یک متن، مفسر را صرفاً با مجموعه‌ای از لغات مندرج در فرهنگ لغت روبه‌رو می‌کند؛ هرچند الفاظ مندرج در فرهنگ لغت نیز برگرفته از قصد استعمال‌کنندگان این الفاظ در هنگام کاربرد آنهاست (Ibid.: 644).

عنصر اصلی تعاریف فوق، کشف «معنا» و «قصد» است و تفسیر، عمل یا فرایندی است برای تعیین معنای مورد اختلاف. طرفین قرارداد، معنایی را که در ذهن خود دارند، از طریق انتخاب الفاظ و عبارات به دیگری منتقل می‌کنند؛ بدین توضیح که یک طرف با انتخاب الفاظ، معانی مورد نظر خود را قصد می‌کند و انتظار معقول دارد که آن معانی را طرف دیگر به همان نحوی که او قصد کرده است، بفهمد. بر خلاف سایر متون حقوقی که اصولاً تک‌مؤلفی است، در قرارداد دو اراده (قصد) نقش‌آفرینی می‌کند و می‌توان گفت که قرارداد دو مؤلفی است. بر این اساس، اگرچه قصد هر یک از طرفین در انتخاب الفاظ و عبارات، نقش اساسی دارد، دستیابی به معنای مورد نظر طرفین و در واقع همان «قصد مشترک طرفین» موضوعیت دارد و قصد یکی از طرفین به تنهایی اعتباری نخواهد داشت. از این رو، هدف از تفسیر، کشف قصد مشترک طرفین قرارداد است.

حقوق‌دانان، هم در تعریف و انواع قصد و هم در امکان دستیابی به هر یک از انواع قصد اختلاف نظر دارند. این اختلاف نظر، هم از تعریف آنان از تفسیر قرارداد نشئت می‌گیرد و هم در اتخاذ نوع رویکردهای تفسیری از سوی آنان تأثیر دارد. بنابراین ضروری است که به تعریف قصد و انواع آن پرداخته شود.

۴. تفسیر قرارداد و قصد

رویکردهای مختلف به قرارداد، پیچیدگی و منحصر به فرد بودن آن را نشان می‌دهد. از یک طرف، قرارداد تجلی حاکمیت اراده اشخاص است و از طرف دیگر، بیانگر ارزش‌ها، اصول و اهداف جامعه است. هر یک از این زوایا جنبه خاصی از قرارداد را نشان می‌دهد و به تنهایی نمی‌تواند پیچیدگی قرارداد را تبیین کند. تفسیر مبتنی بر قصد، در وهله اول به نظر می‌رسد به وحدت نظریه‌های تفسیری می‌انجامد؛ اما این چنین نیست. قصد ذهنی بیانگر حاکمیت اراده و دیدگاه‌های فردگرایانه است و قصد عینی حاوی نیازهای کلان و رویکردهای اجتماعی و مشارکتی است. رویکردهای مختلف از نقطه نظر نحوه تعادل بین قصد ذهنی و قصد عینی با یکدیگر اختلاف دارند (Barak, 2005: 325). از آنجا که طرفین در هنگام تنظیم قرارداد، ارزش‌های نظام حقوقی را نیز در نظر می‌گیرند، نظریه‌های قرارداد علاوه بر اهتمام برای رسیدن به قصد مشترک (ذهنی) طرفین، باید به ارزش‌های اجتماعی همبستگی و عدالت نیز پایبند باشند. توجه به ارزش‌های اجتماعی، زمینه را برای «نظریه عینی»^۱ تفسیر فراهم می‌کند (Ibid.: 322-323).

۴-۱. قصد عینی و قصد ذهنی؛ نظریه عینی و نظریه ذهنی

قرارداد محصول قصد مشترک طرفین است. قصد یا اراده طرفین منحل به دو گونه ذهنی (باطنی) و عینی (ظاهری) است. در حقوق قراردادهای ایران، دو نظریه مبتنی بر حاکمیت اراده وجود دارد: نظریه قصد ظاهری، و نظریه قصد باطنی. چنانچه قصد ظاهری مبنای تشکیل عقد دانسته شود، آنچه در تفسیر باید مطمح نظر قرار گیرد، تنها قصد ظاهری است که غالباً در الفاظی که در متن قرارداد آمده، متعین است. در مقابل، اگر عقد محصول قصد باطنی دانسته شود، مفسر باید در پی کشف قصد باطنی باشد. تفاوت این دو نظریه در میزان حجیت هر یک از این گونه‌های قصد برای مفسر است؛ بدین توضیح که در نظریه قصد باطنی، امکان تخلف دلالت الفاظ از قصد همواره وجود دارد و به تعبیری دیگر می‌توان گفت که آنچه سازنده قرارداد است، از سنخ الفاظ نیست و الفاظ ایجاب و قبول برای تشکیل قرارداد، مجازی است (محقق داماد و دیگران،

1. Objective theory.

۱۳۹۰: ۸۶/۱ و ۲۸۴). ولی در نظریه قصد ظاهری، ایجاب و قبول دلالتی قطعی بر قصد باطنی دارند و این دلالت به اشخاص اجازه نمی‌دهد تا بتوانند خلاف مدلول را اثبات کنند. در این نظریه، جنبه خارجی و اجتماعی اراده طرفین در قرارداد اثربخش است، تا جایی که طرفداران این نظریه معتقدند که قرارداد نه بر اساس قصد باطنی طرفین، بلکه با خود این الفاظ و عبارات منعقد می‌شود (همان: ۲۸۵-۲۸۶).

قائلان به قصد عینی، معنایی را قابل اعتنا می‌دانند که به طور عینی و منطقی از طریق کلمات به ذهن متبادر می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، درک معقول و عینی از کلمات در اوضاع و احوالی که به کار برده شده‌اند، مستقل از معنای مورد نظر طرفین، معنای درست تلقی می‌شود. از این جهت، معنای شروط یک قرارداد، هیچ ارتباطی با قصد شخصی یکی از طرفین ندارد. هنگامی که طرفین قرارداد بر معنای ذهنی مشترکی توافق دارند، آن معنای ذهنی بر قرارداد حاکم است؛ اما هنگامی که طرفین معنای ذهنی متفاوتی را از کلماتشان و رفتارشان در نظر دارند، در اینجا معنای عینی حاکم است (Klass, 2020: 12). به نقل از جوزف چیتی^۱). به عبارت دقیق‌تر، معنای مورد نظر یک طرف در جایی پذیرفته است که آن طرف به طور معقول در هنگام انعقاد قرارداد بر این باور بوده باشد که طرف دیگر نیز این معنا را پذیرفته است. این معنا، معنای عینی قرارداد است (McLauchlan, 2009: 13).

در نظام‌های حقوقی غربی، قصد ذهنی را متشکل از علایق، اهداف، ارزش‌ها، مقاصد و سیاست‌هایی می‌دانند که طرفین قرارداد در پی رسیدن به آن هستند. در نتیجه، قصد ذهنی همان قصد حقیقی و واقعی طرفین در زمان تشکیل قرارداد است (Barak, 2005: 327-328). قصد عینی مجموعه‌ای از علایق، اهداف، ارزش‌ها، مقاصد و خط‌مشی‌هایی در یک نظام حقوقی است که از منظر نظام حقوقی، قرارداد برای رسیدن به آن‌ها منعقد شده و مفاهیمی چون متعارف بودن، انصاف و عقلانیت اقتصادی بر آن حاکم است. قصد عینی در پایین‌ترین سطح انتزاع، قصدی است که با معنای پیش‌گفته مطابقت دارد؛ یعنی قصد یک فرد متعارف و معقول از انتخاب معانی. از آنجا که فرض

1. Joseph Chitty.

بر این است که طرفین قرارداد نیز اشخاص معقول و متعارف هستند و درک مشترکی از معانی الفاظ و عبارات دارند، لذا این نظریه در این سطح به قصد ذهنی نزدیک است. اما قصد عینی در بالاترین سطح خود که «قصد فرضی»^۱ نیز نامیده می‌شود، قصدی است که بر اساس ارزش‌های نظام حقوقی، جایگزین قصد (اراده) اشخاص می‌شود و در نتیجه از قصد ذهنی طرفین فاصله می‌گیرد (Ibid.: 332-333).

«نظریه عینی»^۲ و «نظریه ذهنی»^۳ در نظام‌های «حقوق عرفی»^۴ را تا حدی می‌توان با نظریه قصد ذهنی و عینی تطبیق داد. اجمالاً نظریه عینی بر تجلیات اراده تأکید دارد؛ تجلیاتی که از طریق الفاظ و کلمات ظهور می‌یابند. نظریه ذهنی بر اراده واقعی طرفین تأکید دارد؛ آنچه که از آن به توافق و رضایت متقابل اراده‌ها^۵ تعبیر شده است. وجه تمایز نظریه عینی و ذهنی در این است که در نظریه عینی، عبارات و الفاظ قراردادی نه بر پایه ذهنیت و قصد شخصی هر یک از طرفین، بلکه از منظر یک شخص معقول و متعارف تفسیر می‌شود (Murray & Murray, 2017: 195).

بنا بر آنچه گفته شد، می‌توان گفت که قصد ذهنی (باطنی) محصول نظریه ذهنی، و قصد عینی (ظاهری) محصول نظریه عینی است. نظریه عینی با تأکید بر جستجوی قصد عینی و محدودیت در استناد به ادله خارج از متن قرارداد، مبنای رویکرد تفسیری متن‌گرا، و نظریه ذهنی با تکیه بر قصد ذهنی و توجه به ادله فراتر از متن قرارداد، مبنای رویکرد تفسیر بافت‌گرا دانسته می‌شود (Bayern, 2016: 1100).

۵. رویکردهای تفسیری

اهمیت کشف قصد طرفین در تفسیر و اختلاف نظر حقوق دانان در مورد گونه‌های قصد، منجر به رویکردهای مختلف تفسیری شده است. وجه تمایز هر یک از رویکردها در توجه به عناصری است که هنگام تفسیر مورد توجه قرار می‌دهند. دو رویکرد

1. Presumed intention.
2. Objective theory.
3. Subjective theory.
4. Common Law.
5. Meeting of the minds.

بافت‌گرایی^۱ و متن‌گرایی^۲ از عمده‌ترین آن‌هاست.^۳

در هنگام حدوث اختلاف، اصل اولیه مورد توافق قضات و دادگاه‌ها، جستجوی قصد طرفین است. تمایز قصد ذهنی و قصد عینی در حقوق قراردادهای، منتهی به گروه‌بندی آنان در نحوه تفسیر قرارداد شده است. جستجوی قصد ذهنی مستلزم استخدام ادله‌ای فراتر از متن قرارداد است؛ به ویژه در مواردی که متن قرارداد حاوی سکوت، اجمال یا ابهام باشد. در مقابل، توجه به قصد عینی، مفسر را از استناد به ادله خارج از متن قرارداد منع می‌کند و متن قرارداد را به عنوان منبعی مهم، پیش روی او قرار می‌دهد. بدین ترتیب نقش «ادله و شواهد خارجی»^۴ در فرایند تفسیر اهمیت می‌یابد. به عبارت دیگر در وهله نخست، دادگاه‌ها به دنبال قصد ذهنی (واقعی) مشترک طرفین هستند و به عنوان معیاری برای تشخیص تفسیر [صحیح] استفاده می‌کنند. اما اینکه چگونه تفسیرهای مورد نظر با آنچه طرفین واقعاً و از لحاظ ذهنی قصد کرده‌اند، تطبیق می‌یابد، بستگی به میزان توجه دادگاه به «قاعده بافت»^۵ دارد (Goldstein, 2013: 104). این قاعده مقرر می‌دارد که دادگاه برای تعیین معنای مورد اختلاف در قرارداد باید شواهد خارج از متن قرارداد را لحاظ کند؛ حتی اگر زبان قرارداد واضح و بدون ابهام باشد (Garner, 2009: 362).

میزان توجه به ادله و شواهد خارجی در فرایند تفسیر، دادگاه‌ها را حسب مورد به متن‌گرایی یا بافت‌گرایی سوق داده است. قضات متن‌گرا بر این باورند که در تفسیر قرارداد باید تمرکز اولیه بر زبان قرارداد باشد، که این توجه معطوف است به چارچوب قرارداد کتبی. بر این اساس و مطابق با این رویکرد، شواهد خارجی مانند مذاکرات اولیه، اوضاع تجاری، سابقه تعهدات، دوره روابط تجاری و عرف تجاری در درجه دوم اهمیت قرار دارند. در مقابل، بافت‌گرایان اعتقاد دارند که در هنگام تعیین معنای

1. Contextualism.

2. Textualism.

۳. همان گونه که در ادامه خواهد آمد، شکل‌گرایی با متن‌گرایی قرابت نزدیک دارد و می‌توان گفت که متن‌گرایی زائیده شکل‌گرایی است.

4. Extrinsic evidence.

5. Context rule.

قرارداد، هم باید به شواهد خارجی توجه کرد و هم به متن و زبان قرارداد (Silverstein, 2019:1014). توجه به متن به عنوان اصلی ترین منبع تفسیر نزد متن گرایان و گرایش بافت گرایان به شواهد خارجی، منشأ و مبانی توجیهی مفصلی دارد که در بخش بعد بدانها پرداخته خواهد شد. قبل از پرداختن به این رویکردها ضرورت دارد برخی مفاهیم پایه که در تبیین این رویکردها مؤثرند، تعریف شوند.

۱-۵. مفاهیم مرتبط با رویکردهای تفسیری

مفاهیم یکپارچگی قرارداد، ادله و مدارک خارجی^۱ و ادله و مدارک شفاهی^۲ از جمله مفاهیم مهم در تفسیر قرارداد هستند و رویکردهای تفسیری به این مفاهیم توجه داشته و نسبت خود را با این مفاهیم روشن کرده اند. قبل از اینکه به قواعد تفسیری پرداخته شود، در اینجا این مفاهیم به طور اجمالی تعریف می شوند.

۱-۱-۵. شرط یکپارچگی^۳

شرط یکپارچگی که شرط توافق کامل^۴ نیز نامیده می شود، همه مذاکرات مقدماتی بین طرفین را در متن قرارداد ادغام می کند. این شرط مقرر می دارد که متن قرارداد، همه توافقات طرفین را در بر می گیرد و هیچ تعهد و توافقی به جز موارد ذکر شده در قرارداد وجود ندارد. شرط یکپارچگی واجد آثاری است: اول اینکه اظهارات کتبی یا شفاهی قبلی بین طرفین نمی تواند به متن قرارداد اضافه شود؛ دوم اینکه اظهارات کتبی و شفاهی طرفین نمی تواند متن قرارداد را اصلاح کند؛ و در نهایت این امر مفروض است که متن قرارداد بدون ابهام است و قواعد و شواهد خارجی نمی توانند به منظور معنا بخشیدن به متن قرارداد مورد نظر قرار گیرند. طرفین از طریق شرط یکپارچگی، این پیام را به دادگاه می دهند که متن قرارداد در هنگام اختلاف برای آنها ارجح است و اولویت دارد و هر گونه ادعای خارج از متن قرارداد، مانند مذاکرات مقدماتی باید

-
1. Extrinsic evidence.
 2. Parol evidence.
 3. Merger clause.
 4. Entire agreement clause.

نادیده گرفته شود (Benoliel, 2017: 481-842).

در قانون مدنی ایران به چنین قاعده‌ای اشاره نشده است؛ اما برخی از حقوق‌دانان بر این باورند که قرارداد مجموعه‌ای تجزیه‌ناپذیر است و برای استخراج مفاد این مجموعه باید همه شرایط اصلی و فرعی قرارداد را در نظر گرفت (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۳۶). این قاعده، که با عنوان قاعده «تفسیر در پرتو کل قرارداد»^۱ شناخته می‌شود، اساساً با شرط یکپارچگی تفاوت دارد و قابل تطبیق با شرط یکپارچگی نیست.

۱-۵-۲. ادله و مدارک خارجی، و ادله و مدارک شفاهی

عبارات “extrinsic evidence” و “parol evidence” از پربسامدترین عباراتی است که در تفسیر قرارداد به کار می‌رود. از این رو لازم است تعریفی دقیق از آن‌ها ارائه شود تا مباحث آتی به خوبی درک شود. واژه evidence به معنای مدارک و ادله‌ای است که برای اثبات یا رد امری که ادعا شده، به کار می‌رود. این ادله شامل شهادت، اسناد و اشیای ملموس است. همچنین این واژه به مجموعه‌ای از دلایل جمع‌آوری‌شده قبل از دادرسی نیز اطلاق می‌شود؛ مانند مجموعه مدارکی که نشان می‌دهد یکی از طرفین قرارداد را نقض کرده است (Garner, 2009: 635). واژه extrinsic نیز به آنچه که خارج از موضوع یا منبعی باشد، گفته می‌شود (Ibid.: 666). هم‌نشینی این واژه با واژه evidence به معنای مدارک و ادله‌ای است که خارج از موضوع مورد ادعاست. این عبارت با عبارت “parol evidence” نیز از حیث کاربرد قرابت دارد. کلمه parol در معنای اظهار شفاهی و غیر مکتوب به کار رفته است و هنگامی که در کنار واژه evidence قرار می‌گیرد به معنای ادله و مدارک غیر مکتوب است (Ibid.: 1227). ادله و مدارک شفاهی در تفسیر قرارداد، شامل اظهارات یک یا دو طرف قرارداد قبل از انعقاد قرارداد است. اگرچه واژه parol در فرهنگ لغت به اظهارات شفاهی محدود شده است، دادگاه‌ها و مفسران این گفته‌ها را هم شامل اظهارات مکتوب و هم اظهارات شفاهی می‌دانند (Epstein, Archer & Davis, 2014: 55). بین مفسران در گستره توجه به هر یک از این ادله (خارجی و شفاهی) در فرایند تفسیر اختلاف است، که پرداختن به

1. Interpretation of contract as a whole.

آن نیاز به پژوهشی دیگر دارد.

۲-۵. متن‌گرایی

زبان پدیده‌ای بسیار مضیق است و فرض می‌شود که هر کلمه‌ای با خود قصدی به همراه دارد و مفسر با تمرکز بر متن تلاش می‌کند که به قصد مؤلف نزدیک شود. از نظر مفسر، کلمات سرخ‌هایی برای تعیین قصد هستند (Barnes, 2018: 1091). قصد از معنا جدایی ناپذیر است؛ بدین توضیح که نویسنده متن، مقصودی را از به کار بردن الفاظ و عبارات دنبال می‌کند. مبنایی که متن‌گرایی را حمایت می‌کند، بر این باور استوار شده که این مقاصد در زبان رمزگذاری شده‌اند و متن حاوی این مقاصد است (Fish, 2005: 631). اگرچه در برخی از فرهنگ‌های لغت، توجه به معنای تحت‌اللفظی کلمات یا عبارات در یک نوشته در هنگام تفسیر، متن‌گرایی نامیده شده است (Garner, 2009: 1614)، متن‌گرایی و لفظ‌گرایی با یکدیگر تفاوت دارند و این تعریف قابل نقد است؛ چرا که لفظ‌گرایان متن را به الفاظ و معانی موجود در فرهنگ لغت تقلیل می‌دهند، در حالی که در رویکرد متن‌گرا، تفسیر یک وظیفه ذاتاً عینی است؛ چون کلمات معانی مستقلی دارند و معانی کلمات از منظر اشخاص ثالث بی‌طرف درک و تعیین می‌شود (Mahoney, 2007: 833). با این وصف، متن‌گرایان از معنای تحت‌اللفظی فاصله می‌گیرند و خود متن به عنوان بافت مورد نظر آنان است.

رویکرد متن‌گرایی در نگاه نخست با مکتب تفسیر «معنای متعارف و آشکار»^۱ - که در قرن نوزدهم فراگیر بود - تداعی می‌شود (Smith, 2008: 4). اما رویکرد متن‌گرایی جدید، مبانی متفاوتی را در تفسیر مورد نظر قرار داده است. شوارتز^۲ و اسکات^۳ در سال ۲۰۰۳ در مقاله «تئوری قرارداد و محدودیت‌های حقوق قراردادها»^۴ استدلال خود را چنین صورت‌بندی کردند که طرفین قراردادهای تجاری و شرکت‌های تجاری،

1. Plain Meaning.
2. A. Schwartz.
3. R. Scott.
4. Contract Theory and the Limits of Contract Law.

متن‌گرایی را در تفسیر قرارداد ترجیح می‌دهند. این استدلال - که جزئیات آن در مباحث آتی گفته خواهد شد- اظهارنظری پیشرفته در نظریه «شکل‌گرایی»^۱ است که از جنبش حقوق و اقتصاد نشئت گرفته است (Bayern, 2016: 1104). این نگاه، تفسیر قرارداد را از منظر تحلیل‌های اقتصادی مورد نظر قرار داده است.

بر اساس رویکرد متن‌گرا، دادگاه در تفسیر باید متن قرارداد را به عنوان منبع تفسیر مورد بررسی قرار دهد و در صورت فقدان ابهام متنی، مجاز نیست به بافت و ادله خارجی که متن قرارداد در آن شکل گرفته است، مراجعه کند. به عبارت دیگر، دادگاه در هنگام تفسیر به طور خاص باید عناصر و شواهد خارج از متن را نادیده بگیرد. شواهدی چون عرف معاملاتی بین طرفین در معاملات قبلی، اظهارات یا توافقات شفاهی پیش از قرارداد، و عرف تجاری از جمله ادله و شواهد خارج از متن هستند (Benoliel, 2017: 472-473). تفسیر متن‌گرا بر اساس کارکردهای زبان، تفسیر را پیش‌بینی‌پذیر می‌کند؛ بدین توضیح که زبان حاوی الفاظی استاندارد برای معاملات تجاری است. این مجموعه زبانی در خلال روابط معاملاتی توسط اشخاص مورد استفاده قرار می‌گیرد و تثبیت می‌شود. طرفین قرارداد - که با این مجموعه زبانی آشنا هستند- الفاظ و عبارت مورد نیاز را برای انجام معامله‌گزینش می‌کنند. با این وصف به دلیل کثرت کاربرد این مجموعه زبانی، طرفین قرارداد با معانی آن‌ها آشنایی دارند و از تفسیرهای دادگاه که متضمن معنا دادن به آن الفاظ و عبارت است نیز آگاهی می‌یابند. این مجموعه حاوی عبارات و الفاظی است که معنای واضح و روشنی دارند و به وسیله اکثریت بسیار بزرگی از طرف‌های تجاری قابل درک هستند. این استاندارد معنایی عبارات، از تفسیرهای غیر صحیح جلوگیری خواهد کرد و با وجود این مجموعه، انگیزه طرف‌های تجاری برای تهیه پیش‌نویس دقیق افزایش پیدا خواهد کرد. در نهایت، تفسیر متن‌گرایانه زمینه را برای صرفه‌جویی در هزینه‌های قراردادی فراهم می‌کند؛ بدین توضیح که هزینه‌ها را از انتهای فرایند قراردادی، که در آن دادگاه ممکن است نقش بافت و گستره دلایل استنادی خارج از قرارداد را پررنگ کند، به ابتدای فرایند قرارداد (در هنگام مذاکره یا

1. Formalism.

تنظیم قرارداد) منتقل می کند (Gilson, Sabel & Scott, 2014: 40-41).

متن گرایی با اتخاذ رویکردی عینی به متن قرارداد، قصد طرفین را در چارچوب قرارداد جستجو می کند. این قصد عینی است؛ چرا که معطوف به معانی معمول و متعارف متن قرارداد است و شروط و عبارات قرارداد از منظر شخص معقول و متعارف درک می شود. برای فهم عمیق تر این رویکرد ضروری است مفاهیم و قواعدی که از متن گرایی حمایت می کنند یا از لوازم و آثار آن هستند، بررسی شوند.

۱-۲-۵. قواعد مورد استناد متن گرایان

پایندی به متن بر مبنای قواعدی توجیه و حمایت می شود. مذاقه بیشتر در متن گرایی، این پرسشی بنیادین را پیش می کشد که چرا در نظر متن گرایان، متن قرارداد اهمیت دارد؟ در تبیین متن گرایی گفته شد که کلمات، معانی مستقلى از ذهن اشخاص دارند و این معانی از منظر شخص معقول و متعارف نگریسته می شود. بنابراین اصلی ترین راه کشف قصد طرفین، توجه به متن قرارداد است؛ منبعی که طرفین از طریق استخدام الفاظ و عبارات و توافق بر آن ها به قصد مشترک نائل آمده اند. متن گرایان برای رسیدن به قصد طرفین قواعدی دارند که در این بخش بدان ها پرداخته می شود.

۱-۱-۲-۵. قاعده تفسیر در چارچوب قرارداد^۱

بر اساس قاعده «تفسیر در چارچوب قرارداد»، معنای یک توافق واضح و بدون ابهام صرفاً از کلمات قرارداد فهمیده می شود. این قاعده طرفین را هنگامی که قرارداد در ظاهر واضح است، از ارائه ادله و شواهد خارج از متن قرارداد برای تفسیر منع می کند. متن قرارداد هنگامی واضح و فاقد ابهام است که فردی که در زبان قرارداد مهارت دارد، بی آنکه زمینه ذهنی در مورد آن قرارداد داشته باشد، بتواند بفهمد که شروط قرارداد واجد چه معنایی است. قاعده تفسیر در چارچوب قرارداد به دلیل اینکه اختلاف را در چارچوب متن قرارداد حل می کند، از نظر زمانی سریع و ارزان، و از حیث نتیجه قطعی تر از «قاعده بافت» در رویکرد بافت گراست. قاعده تفسیر در چارچوب قرارداد،

1. Four corners rule.

تمایل به کاهش میزان دعاوی قضایی دارد. نتیجه اینکه طرفین با کاهش انعطاف‌پذیری تفسیر، ترجیح می‌دهند که هزینه کمتری را متحمل شوند (Orsinger, 2007: 13). این قاعده از منظر اقتصادی برای طرف‌های قرارداد اهمیت دارد.

شکل‌گرایی قراردادی و متن‌گرایی قرابت دارند (Mahoney, 2007: 827). در آمریکا دادگاه‌هایی که شکل‌گرا هستند، رویکردی متن‌گرا دارند و در صورتی که شرط یکپارچگی در قرارداد پیش‌بینی نشده باشد، دادگاه با استفاده از قاعده «تفسیر قرارداد در چارچوب متن قرارداد»، ادله تفسیر را محدود به متن قرارداد می‌کند و موضوع از طریق دادرسی اختصاری خاتمه می‌یابد. در مقابل، در دادگاه‌های ضد شکل‌گرا، ادله خارج از قرارداد پذیرفته می‌شود؛ حتی اگر طرفین به طور مکتوب در قرارداد اعلام کرده باشند که این قرارداد کامل و حاوی همه تعهدات آنان است. این دادگاه‌ها اختیار اشخاص را در تعیین ادله تفسیری و انتخاب قواعد مربوط به تفسیر نادیده می‌گیرند (Schwartz & Scott, 2010: 960-961). در حقوق ایران اگرچه در مباحث نظری، پژوهش مستقلی در مورد متن‌گرایی و قواعد مرتبط با آن انجام نشده است، در آراء دادگاه‌ها می‌توان رگه‌هایی از رویکرد متن‌گرایی و قاعده تفسیر در چارچوب قرارداد را مشاهده کرد؛ برای نمونه در دادنامه شماره ۱۳۹۳/۰۷/۰۵-۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۳۰۰۸۸۰ که به خواسته ابطال سند به دلیل صوری بودن، از شعبه دوم دادگاه عمومی قرچک صادر و در شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر تأیید شده است، دادگاه در رد شهادت شهود چنین استدلال کرده است:

«در معاملات، اصل بر ظاهر است و آنچه اراده طرف را ابراز می‌کند، بر اساس کتابت انجام شده و اصل و ظاهر ملاک است و اصل بر این است که اراده، همان است که اعلام شده است...».

دادگاه بدوی با استناد به ظاهر قرارداد، دعوای خواهان را رد کرده و اولویت را به متن قرارداد داده است. دادگاه بدوی با این استدلال، به طور ضمنی قاعده تفسیر در چارچوب قرارداد را به کار برده است (ر.ک: سامانه ملی آراء قضایی).

۲-۱-۲-۵. قاعده منع استماع ادله خارج از قرارداد^۱

این قاعده، دادگاه را از تحقیق یا استناد به اصول و مدارکی که خارج از چارچوب متن قرارداد است، منع می‌کند. اما در مواردی که قرارداد کامل نیست یا قرارداد یک اشتباه یا اظهار خلاف واقعی را نشان می‌دهد یا در کنار این قرارداد، یک نوشته موازی وجود دارد یا محتوای قرارداد شروط خاصی دارد که نیاز به تفسیر و توضیح دارد، دادگاه می‌تواند به شواهد خارجی استناد کند. اما اینکه آیا قرارداد کامل است یا خیر، بستگی به نظر مفسر دارد. اگر قرارداد طولانی و حاوی جزئیات باشد و «شرط یکپارچگی» در قرارداد درج شده باشد، می‌توان آن قرارداد را کامل دانست (Mitchell, 2019: 14).

بر اساس قاعده منع استماع ادله خارج از قرارداد، اگر قرارداد مکتوب، کامل و منسجم باشد، در این صورت، ادله و شواهد مربوط به مذاکرات قبلی که با شروط قرارداد مغایر باشند، قابل استماع نیستند. این قاعده با قاعده تفسیر در چارچوب قرارداد، در مواردی همپوشانی دارد؛ زیرا هر دو، ادله و شواهد مذاکرات پیشین منتهی به قرارداد را استثنا می‌کنند. اما قاعده تفسیر در چارچوب قرارداد افزون بر این، مانع در نظر گرفتن وقایعی است که بعد از انعقاد قرارداد اتفاق می‌افتد و بر معنای توافق و قرارداد اثر می‌گذارد. قاعده منع استماع ادله خارج از قرارداد، در موارد احراز کلاهبرداری یا اشتباه متقابل یا عدم پرداخت عوض یا خطای نویسنده قرارداد اعمال نمی‌شود. همچنین ادله و شواهد خارج از قرارداد که نشان می‌دهند قرارداد ابهامی پنهان دارد، قابل استماع هستند (Orsinger, 2007: 19). همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، در حقوق ایران نیز می‌توان مواردی را در رویه قضایی ملاحظه کرد که دادگاه به متن قرارداد اولویت داده و شهادت شهود را نپذیرفته است (ر.ک: سامانه ملی آراء قضایی).^۲

۳-۱-۲-۵. قاعده معنای متعارف و آشکار^۳

قاعده تفسیر بر مبنای معنای متعارف و آشکار، چنین تعریف شده است: «اگر یک نوشته‌ای یا یک شرط مکتوب در ظاهر فاقد ابهام باشد، معنای آن باید از

1. Parol evidence rule.

۲. دادنامه شماره ۱۳۹۳/۰۷/۰۵-۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۳۰۰۸۸۰ صادره از شعبه دوم دادگاه عمومی قرچک.

3. Plain meaning rule.

خود متن [قرارداد] بدون توسل به شواهد خارجی تعیین شود» (Garner, 2009: 1267).

مبنای این قاعده آن است که معنای کلمات، امری انتزاعی است که بر مدلول بالقوه آن‌ها حمل می‌شود. معانی صرفاً در ذهن طرفین قرارداد نیستند؛ بلکه فارغ از قصد افراد، معانی به طور بالقوه در متن وجود دارند. بدین ترتیب، این قاعده با قصد عینی مرتبط می‌شود (Catterwell, 2020: 74). این قاعده حاوی این پیش فرض است که اصولاً کلمات بر معنایی واضح و آشکار و بدون ابهام دلالت دارند. به عبارت دقیق‌تر، هنگامی که معنای کلمات و عبارات واضح و بدون ابهام است، سایر داده‌های تفسیری کنار گذاشته می‌شوند (Baude & Doerfler, 2017: 542).

حقوق دانان بین معنای متعارف و آشکار و معنای کاربردی^۱ تفاوت قائل می‌شوند. در حقوق قراردادها، «معنای متعارف و آشکار» معمولاً معنای مستخرج از متن است که مفسر با استفاده از فرهنگ لغت، دانش عمومی از زبان، و درک کلی خود از فضای اجتماعی به آن دست می‌یابد. از آنجا که تفسیر بر اساس معنای متعارف و آشکار از منابع محدودی برای دستیابی به معنا استفاده می‌کند، غالباً با معنای تحت‌اللفظی انطباق دارد. اما همیشه این گونه نیست؛ برای مثال ممکن است کلیت یک توافق کتبی، ناظر به هدفی کلی باشد و شرط یا اصطلاحی در قرارداد ذکر شده است که حمل آن بر معنای لغوی با هدف قرارداد سازگار نیست (Klass, 2020: 25). معنای کاربردی بر مبنای «زبان‌شناسی کاربردی»^۲ درک می‌شود و به تفسیر قرارداد کمک می‌کند. معنای کاربردی بر روی آنچه مخاطب می‌تواند از یک ارتباط استنباط کند، تمرکز دارد (Catterwell, 2020: 74).

متن‌گرایان بر این باورند که کلمات، معنای متعارف و آشکار یا تحت‌اللفظی دارند و دادگاه‌ها باید کلمات را بر معنای متعارف و آشکار حمل کنند؛ حتی اگر به نتیجه‌ای نامعقول منجر شود (Mitchell, 2015: 233). قاعده معنای متعارف و آشکار از این جهت برای متن‌گرایان اهمیت دارد که از طریق آن می‌توانند قصد عینی را با کمترین هزینه

1. Use meaning.

2. Pragmatic linguistics.

احراز کنند.

در حقوق ایران، عرف نقش مهمی در تفسیر قرارداد دارد. یکی از کارکردهای عرف، تعیین معنای الفاظ است. منظور از عرف، انس ذهن جامعه یا گروهی خاص به امری مربوط به روابط حقوقی است. از آنجا که هدف تفسیر، کشف اراده مشترک طرفین است و طرفین قرارداد در هنگام بیان، همان معنایی را از الفاظ و عبارات به کار برفته در قرارداد اراده می‌کنند که در عرف آنان از الفاظ و عبارات فهمیده می‌شود. بنابراین معنای عرفی، کاشفیت از اراده مشترک طرفین دارد (شهیدی، ۱۳۹۱: ۳۰۰ و ۳۰۷). معنای عرفی بر معنای لغوی و حتی معنای قانونی تقدم دارد. آنچه در این خصوص باید مورد توجه باشد این است که منظور از عرف، عرف متعاقدين است. به عبارت دیگر در اینجا، عرف خاص طرفین مقدم بر عرف عام است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۲۰۲)؛ برای مثال ممکن است طرفین قرارداد اصطلاح «فسخ معامله» را برای «اقاله» به کار برند و در صورت اختلاف بین طرفین، اگرچه فسخ معنایی قانونی دارد، ولی ظهور عرفی آن بین طرفین، دلالت بر به هم زدن معامله دارد؛ لذا حمل بر معنای قانونی خود نخواهد شد و معنای عرفی آن ملاک تفسیر قرار می‌گیرد. در ماده ۲۲۴ قانون مدنی، این قاعده پیش‌بینی و مقرر شده است: «الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه». بر این اساس، استعمال الفاظ قراردادها در غیر معنای عرفی، خلاف قاعده است و چنین کاربردی باید اثبات شود (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۱۳).

در بخش بعد ضمن تعریف بافت‌گرایی، هر یک از مفاهیم و قواعد پیش‌گفته از منظر این رویکرد بررسی و نقد خواهد شد.

۳-۵. بافت‌گرایی

تعهدات حقوقی، مانند هر بیان انسانی، در یک پس‌زمینه بیان‌نشده از اهداف مشترک، تجربیات و حتی یک نظریه مشترک در مورد جهان شکل می‌گیرند و بدون چنین پس‌زمینه عمومی، ارتباطات انسانی ناممکن است (Mitchell, 2019: 10). بافت‌گرایی رویکردی تفسیری است که به همه عواملی که متن در آن شکل گرفته است، توجه می‌کند. میزان توجه به این عوامل یکسان نیست و برخی عوامل در نظر

مفسر وزن بیشتری دارد (Barnes, 2018: 1099). بر اساس رویکرد بافت‌گرا، مفسر باید عواملی را که قرارداد در آن شکل گرفته است، نسبت به متن قرارداد در اولویت قرار دهد و به رویدادهای قبل و بعد از تشکیل قرارداد توجه کند. مفسر باید به بافتی که قرارداد در آن شکل گرفته، حتی اگر شفاهی یا غیر مکتوب باشد، توجه کند. توجه مفسر به بافت، مقید به ابهام متنی نیست؛ بلکه حتی اگر قرارداد فاقد ابهام باشد، باید شواهد خارجی را در تفسیر خود لحاظ کند. برای کشف قصد واقعی طرفین، دادگاه هیچ محدودیتی برای استناد به شواهد خارجی ندارد (Benoliel, 2017: 473).

بافت‌گرایان از نظرگاه مبانی استدلالی، نحله‌های مختلفی دارند. رابطه‌گرایان^۱ چنین استدلال می‌کنند که روابط قراردادی بسیار غنی‌تر و گسترده‌تر از توافق‌نامه‌های کتبی طرفین است و بی‌توجهی به بافت و زمینه‌های ارتباطی طرفین قرارداد، نتایج ناعادلانه‌ای را نسبت به طرفی که حقوقی در خلال این رابطه برای او به وجود آمده است، به بار می‌آورد و به تخریب روابط طرفین منجر می‌شود. گروهی دیگر از منظر زبان‌شناختی به موضوع می‌نگرند و بر این باورند که زبان بدون در نظر گرفتن زمینه‌ای که در آن شکل گرفته است، فاقد معناست. به عبارت دیگر، زبان بسیار کثرت‌گراست و در میان معانی نمی‌توان بدون وجه مرجح به یک معنا مزیت و برتری داد. قضات به معنای واقعی دسترسی ندارند و قضاتی که متن را بدون توجه به بافت آن می‌خوانند، به طور ناخودآگاه، تفسیری منطبق با زمینه ذهنی خود ارائه می‌کنند (Bagchi, 2019: 7).

بافت‌گرایی از طریق تجزیه و تحلیل زمینه‌ای که قرارداد در آن شکل گرفته است، عمل می‌کند. این رویکرد از آن جهت اهمیت دارد که مفسر معقول و متعارف، معنای درست قرارداد را می‌تواند به بهترین نحو درک کند (Mitchell, 2015: 233).

بافت‌گرایی هم از منظر زبان‌شناختی و هم از منظر اجتماعی توجیهات جدی دارد. در مقابل، متن‌گرایی توجه خود را به جنبه‌های اقتصادی معطوف می‌کند؛ برای مثال، هزینه معاملاتی از جمله مفاهیمی است که در ترجیح رویکرد متن‌گرایی در برابر بافت‌گرایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این رو، سنخ دلایلی که از هر یک از این

1. Relationists.

رویکردها پشتیبانی می‌کنند نیز تفاوت جدی دارند.

از آنجا که رویکرد بافت‌گرایی در تقابل با متن‌گرایی است، طبعاً در برابر قواعد و مفاهیم مورد استناد متن‌گرایان استدلال‌هایی دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۵-۳-۱. بافت‌گرایی و مفهوم یکپارچگی

همان‌گونه که گفته شد، شرط یکپارچگی یکی از مفاهیم مهم مورد نظر متن‌گرایان است. در نظر متن‌گرایان، اگر دادگاه متن را یکپارچه تشخیص دهد، طرفین نمی‌توانند به شروطی که در متن قرارداد نیامده، استناد کنند. یکپارچگی متن قرارداد، دادگاه را ملزم به رعایت قاعده «تفسیر بر مبنای معنای متعارف و آشکار» می‌کند و این یکپارچگی، مبنای توجیهی برای اعمال قاعده «منع استماع ادله شفاهی خارج از قرارداد» می‌شود (Klass, 2017: 71). حال باید دید که این مفهوم در رویکرد بافت‌گرایان، چه جایگاهی دارد.

نخستین پرسش در تفسیر آن است که دادگاه‌ها چگونه و با چه معیاری یکپارچگی متن قرارداد را تشخیص می‌دهند؟ متن‌گرایان و بافت‌گرایان در پاسخ به این پرسش اختلاف نظر دارند. در اینجا باید بین وضعیتی که شرط یکپارچگی در قرارداد درج شده یا قرارداد فاقد این شرط است، تفکیک قائل شد. در برخی موارد، طرفین شرط یکپارچگی را در متن قرارداد خود می‌گنجانند. این شرط نشان می‌دهد که آنان متن قرارداد را به‌عنوان اراده نهایی خود پذیرفته‌اند و می‌خواهند متن قرارداد به‌عنوان تنها منبع تفسیری از سوی دادگاه مورد استناد قرار گیرد. در غیاب این شرط، دادگاه باید در مورد اینکه متن قرارداد به‌عنوان اراده نهایی طرفین پذیرفته شده است، تحقیق کند. حقوق برخی از کشورها، این رویه را در مقررات خود پیش‌بینی کرده است که اگر توافق مکتوب، جامع، صریح و کامل به نظر برسد، این توافق یکپارچه خواهد بود. این دو حالت از حیث آثاری که بر هر یک مترتب خواهد شد، با هم تفاوت دارند. در موردی که شرط یکپارچگی در قرارداد درج شده است، ترجیح و اراده طرفین نزد دادگاه روشن است. اما هنگامی که دادگاه یکپارچگی یا عدم آن را از منابع مختلف استنباط می‌کند، پرسش این است که دادگاه باید کدام ادله تفسیری را در تعیین یکپارچگی لحاظ کند؟

متن گرایان و شکل گرایان در اینجا همچنان به قاعده منع استماع ادله خارج از قرارداد پایبند می‌مانند و صرفاً هنگامی به ادله خارج از قرارداد استناد می‌کنند که قرارداد در ظاهر ناقص باشد. اما بافت گرایان بر این باورند که همواره باید تمام ادله موجود درباره قصد طرفین بررسی شوند، حتی اگر شرط یکپارچگی در متن قرارداد آمده باشد؛ چرا که در نظر اینان، «الفاظ و عبارات در متن، [از حیث دلالات معنایی] همواره قابل بحث هستند» (Klass, 2017: 73-74). هنگامی که شرط یکپارچگی در قرارداد آمده باشد، در نظر بافت گرایان، این شرط به عنوان یکی از عوامل در تفسیر ملاحظه خواهد شد. به عبارت دیگر، خود شرط نیز به عنوان بخشی از زمینه قرارداد در نظر گرفته می‌شود و نه به عنوان تنها منبع تفسیر.

در مجموع، مخالفان قاعده منع استماع ادله خارجی (بافت گرایان) بر این باورند که متن قرارداد به تنهایی نمی‌تواند گویای انسجام یا عدم انسجام باشد. به ویژه وقتی که قرارداد درباره موضوعی ساکت باشد، قضاوت در خصوص انسجام آن بسیار دشوارتر می‌شود؛ اگرچه ممکن است قرارداد حتی بدون وجود شرط انسجام یا «یکپارچگی» نیز کامل به نظر آید (Bix, 2012: 60-61).

۵-۳-۲. بافت گرایی و قاعده معنای متعارف و آشکار

تصور رایج در مورد قاعده معنای متعارف و آشکار این است که متن قرارداد باید بر معنای متعارف حمل شود؛ اما این قاعده چنین می‌گوید که متن قرارداد هنگامی بر معنای متعارف حمل می‌شود که زبان آن بدون ابهام باشد. بنابراین، این قاعده دادگاه را ملزم می‌کند که قرارداد بدون ابهام باید حمل بر معنای متعارف و آشکار شود؛ بدین ترتیب که اگر واژه‌ای فقط یک معنا داشته باشد، می‌توان به این قاعده پایبند بود، اما اگر بیش از یک معنا داشته باشد، چنین قاعده‌ای قابل اعمال نیست. قاعده معنای متعارف و آشکار بیان می‌کند که به شروط و عبارات یک قرارداد باید معنای متعارف و عادی آن داده شود؛ به این معنا که دادگاه در هنگام تفسیر باید سایر معانی را که از معنای متعارف انحراف دارد یا معنای متعارف نیست، نادیده بگیرد. این مطلب بر اساس این فرض است که طرفین قاعدتاً زبان را در معنای معمولی و متعارف خود به کار

می‌گیرند، اما حمل الفاظ و عبارات بر معنای متعارف نیز مستلزم در نظر گرفتن بافتی است که الفاظ و عبارات در آن استفاده شده‌اند (Burton, 2009: 109-110). از این رو، قاعده «معنای متعارف و آشکار» در تفسیر بافت‌گرا نمی‌تواند نقطه اتکا باشد؛ چرا که بر خلاف این قاعده، بافت‌گرایی به اهداف مورد نظر طرفین نیز توجه می‌کند (Kostritsky, 2006: 547). بدین توضیح که در بافت‌گرایی، کشف معنای متعارف و آشکار نیز باید از طریق بافت صورت گیرد؛ بر خلاف متن‌گرایان که اصل را بر معنای متعارف و آشکار می‌گذارند و در صورت وجود ابهام به سایر معانی توجه می‌کنند.

همان‌گونه که گفته شد، بین معنای لغوی و معنای کاربردی تفاوت وجود دارد. معنای لغوی که غالباً معنای برگرفته از فرهنگ لغات و منطبق با معنای متعارف و آشکار است، از نقطه نظر بافت‌گرایی از جهات مختلف پذیرفتنی نیست: ممکن است الفاظ بیش از یک معنای تحت‌اللفظی داشته یا مبهم باشند یا صرفاً در یک متن دارای معنای تحت‌اللفظی باشند. از این رو، گاهی ضروری است که شرایط کاربرد جمله نیز لحاظ شود. با این وصف، در مواردی که یک لفظ بیش از یک معنای لغوی داشته باشد، باید معنای معقول و مورد قصد را بر اساس بافت مورد نظر تعیین کرد (Klass, 2017: 25-26).

بر این اساس، برخی بر این باورند که مفهومی به نام معنای متعارف وجود ندارد؛ چرا که معنا بدون در نظر گرفتن گوینده و شنونده وجود نخواهد داشت و هیچ واژه یا عبارتی دارای یک معنای صحیح و تغییرناپذیر نیست. معنا صرفاً زمانی شکل می‌گیرد که واژه‌ها در شرایط و با هدفی خاص مورد استعمال قرار گرفته باشند. اینکه واژه‌ها معنایی مستقل از زمینه و بافت خود داشته باشند، تفکری منسوخ است. در صورتی که واژه‌های یک متن به صورت مستقل و متمایز از کل متن در نظر گرفته شوند، هیچ معنایی نخواهند داشت (Ibid.: 54). اینان متن را به تغییر رنگ یک آفتاب‌پرست تشبیه می‌کنند که الفاظ و عبارات بسته به اینکه در چه زمینه‌ای استعمال شوند، می‌توانند بر معانی متفاوتی حمل شوند (Ammann, 2020: 198).

قاعده معنای متعارف و آشکار، علاوه بر نقد زبان‌شناختی، از منظر تحلیل اقتصادی حقوق نیز نقد شده است. برخی گفته‌اند تأکید بر اینکه طرفین مشکلات خود را از طریق زبان قراردادی (اعمال قاعده معنای متعارف و آشکار) حل خواهند کرد، هزینه

تهیه پیش‌نویس قرارداد را بالا می‌برد و هزینه بزرگ دیگری را نادیده می‌گیرد و آن اینکه طرفین قادر به تنظیم بندهای روشن برای کاهش خطرات قراردادی نیستند و از این جهت سود کمتری از مشارکت تجاری خواهند برد (Kostritsky, 2006: 515).

۵-۳-۳. بافت‌گرایی و قاعده منع استماع ادله خارج از قرارداد

همان‌گونه که گفته شد، این قاعده دادگاه را در هنگام تفسیر، از استماع ادله شفاهی خارج از قرارداد منع، و از متن قرارداد به عنوان منبع اصلی تفسیر در هنگام اختلاف حمایت می‌کند. اولین وظیفه مفسر، شناسایی الفاظ و عبارات مورد اختلاف است تا از طریق معنا دادن به آن‌ها، اختلاف را رفع کند. هنگامی که قرارداد کتبی است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا توافقات شفاهی قبل از انعقاد قرارداد می‌تواند مورد استناد قرار گیرد یا نه؟ بدیهی است که طرفین قبل از قرارداد ممکن است توافقاتی شفاهی و خارج از متن قرارداد با یکدیگر داشته باشند. از سوی دیگر می‌توانند در قرارداد کتبی، همه توافقات شفاهی قبل از قرارداد را لغو و بی‌اثر کنند.

قاعده منع استماع ادله و شواهد خارج از قرارداد، به این پرسش پاسخ خواهد داد. این قاعده هنگامی قابل اعمال است که قرارداد یکپارچه باشد و گویای اراده نهایی طرفین قرارداد باشد. قبل از تشخیص یکپارچگی، این قاعده محلی از اعراب ندارد. دادگاه‌هایی که گرایش به رویکرد بافت‌گرا دارند، بر خلاف دادگاه‌های دیگر که به وسیله قاعده تفسیر در چارچوب قرارداد، به متن قرارداد محدود می‌شوند، با استفاده از «قاعده بافت»، همه عوامل و شواهد را برای تشخیص یکپارچگی در نظر می‌گیرند (Burton, 2013: 341-342). رویکرد بافت‌گرا نه تنها در حل مسئله یکپارچگی، بلکه در برخورد با هر پرسشی، اعم از ابهام یا عدم آن، ابتدا به بافت قرارداد توجه دارد؛ به عبارت دقیق‌تر، به هر مسئله تفسیری در پرتو بافت پاسخ داده می‌شود.

در حقوق ایران، مذاکراتی را که پیش از عقد و مورد موافقت طرفین بوده، ولی در قالب قصد انشاء نیامده است، «شروط تبانی» می‌نامند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۲۰۶-۲۰۷). شروط تبانی که خارج از قلمرو قصد انشاء بوده و در متن عقد ذکر نشده‌اند، در نظر اکثر فقیهان بی‌اعتبارند (شهیدی، ۱۳۹۱: ۳۴۱)؛ در حالی که در رویکرد بافت‌گرا، این

مذاکرات می‌تواند مورد استناد قرار گیرد.

۵-۳-۴. بافت‌گرایی و قاعده تفسیر در چارچوب قرارداد

دادگاه هنگام وقوع اختلاف طرفین در مفاد قرارداد، ابتدا باید در مورد اینکه قرارداد مبهم است یا غیر مبهم، تصمیم بگیرد. قاعده تفسیر در چارچوب متن قرارداد، دادگاه را ملزم می‌کند که در پاسخ به این پرسش صرفاً ظاهر و متن قرارداد را در نظر بگیرد و همه ادله خارجی را استثنا کند. تحقیق در مورد قصد و معانی مورد نظر طرفین، بدون توجه به ادله و شواهد خارجی صورت می‌گیرد. این قاعده به قاعده معنای متعارف و آشکار بسیار نزدیک است و هنگام اعمال به نظر می‌رسد که دو قاعده متزاحم هستند؛ اما گفته شده که قاعده تفسیر در چارچوب قرارداد، بر قاعده معنای متعارف و آشکار مقدم است و باید قبل از آن اعمال شود. در نتیجه، قاعده تفسیر در چارچوب قرارداد از طریق حذف شواهد مربوط به بافت صرفاً می‌تواند ابهام درونی قرارداد را تشخیص دهد، نه ابهام «خارج از متن»^۱ را.^۲ قاعده معنای متعارف و آشکار، در عمل وظیفه دارد در مواردی که زبان قرارداد فاقد ابهام است، آن را بر معنای متعارف و آشکار حمل کند. اما قبل از این وظیفه، این پرسش مطرح می‌شود که آیا ابهامی وجود دارد یا خیر؟ قاعده معنای متعارف و آشکار نمی‌تواند به این پرسش پاسخ دهد که چه عناصری را برای تشخیص مبهم بودن یا نبودن، می‌توان در نظر گرفت. در اینجا قاعده تفسیر در چارچوب قرارداد، محدوده ادله‌ای را که برای پاسخ به این پرسش وجود دارند، مشخص می‌کند (Burton, 2009: 111).

انتقاد عمومی از قاعده تفسیر در چارچوب قرارداد این است که معنای متعارف و آشکار را نمی‌توان از طریق ظاهر متن قرارداد تشخیص داد. اشکال دیگری که این قاعده دارد آن است که بیان قصد صریح و بدون ابهام را بر دوش طرفین می‌گذارد و اگر طرفین قصد خود را واضح و شفاف در متن قرارداد ابراز نکنند، یا قصد آن‌ها

1. Latent ambiguity.

۲. ابهام خارج از متن (خارجی)، ابهامی است که از ظاهر قرارداد قابل احراز نیست و با توجه به شواهد و ادله خارجی مشخص می‌شود. بنابراین ممکن است سند یا قرارداد در ظاهر فاقد هر گونه ابهامی باشد، اما با لحاظ ادله و شواهد خارجی ابهام داشته باشد (Burton, 2009: 107).

کشف‌شدنی نباشد، طرفین از مزایای الزامات و آثار حقوقی قرارداد محروم می‌شوند (Ibid.: 143-144). مهم‌تر اینکه محدود شدن به متن قرارداد در مواقعی که قرارداد ابهامی خارجی دارد، تصمیم‌گیری در مورد ابهام را دشوار می‌سازد (Ibid.: 145). بنابراین بافت‌گرایی در تشخیص ابهام اعم از درونی و بیرونی، توفیق بیشتری دارد و قاعده یادشده نمی‌تواند در رویکرد بافت‌گرا کارکردی داشته باشد.

با بررسی قواعد و مفاهیمی که متن‌گرایان در تفسیر قرارداد به کار می‌گیرند و روشن کردن مواضع بافت‌گرایان، این پرسش مطرح می‌شود که از چه منظری باید به ارزیابی این رویکردها پرداخت؟ به عبارت دقیق‌تر، با چه معیاری باید وجه برتری هر یک را نسبت به دیگری سنجید؟ در بخش بعد، به این پرسش پاسخ داده خواهد شد.

۶. نقد و بررسی رویکردها از منظر قصد طرفین

گفته شد که مهم‌ترین هدف تفسیر قرارداد، کشف قصد طرفین است. بنابراین احراز قصد، معیار مهمی در تفسیر قرارداد است. با این وصف، رویکردی که بتواند این هدف را به بهترین نحو محقق کند، نسبت به دیگری برتری دارد. برای پی بردن به این موضوع باید ارتباط متن قرارداد با قصد طرفین را مورد بررسی قرار داد. اینکه متن قرارداد یا بافتی که متن در آن شکل گرفته، هر یک به چه میزان گویای معانی مورد نظر طرفین است، نقش مهمی در اولویت‌بخشی به هر یک از رویکردها دارد.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، هولمز^۱ و ویلیستون^۲ به دفاع از قاعده معنای متعارف و آشکار پرداختند. تمرکز اصلی این قاعده بر متن و معنای آن است. اما واقع‌گرایان حقوقی همچون کوربین^۳ و لولین^۴ از این رویکرد انتقاد کرده و از قواعدی حمایت کردند که معنای کلمات را در بافت قرارداد جستجو می‌کردند. محدود کردن ادله تفسیری معمولاً به معنای تمرکز بر متن و حذف داده‌ها و ادله مربوط به بافت

1. O. Holmes.
2. S. Williston.
3. A. Corbin.
4. K. Llewellyn.

است. این محدودیت در عمل منجر به ثبات در معنا می‌شود و هنگام تفسیر، وزن بیشتری به معنای قراردادی کلمات می‌دهد (Klass, 2017: 1-4).

پایبندی به متن و عینیت‌گرایی دارای محدودیت‌هایی است و به درک قضات از نقشی که در حل اختلافات قراردادی دارند، بستگی دارد. متن قرارداد در طول زمان نسبتاً پایدار و در بستر سابقه‌ای به وجود آمده است که در متن‌گرایی نادیده گرفته می‌شود. از سوی دیگر، اگرچه حمایت از معنای متعارف و آشکار در قرارداد، به واسطه درک متعارف اشخاص از زبان، برتری‌های قابل توجهی به این رویکرد می‌دهد، تعهد به متن قرارداد و قاعده معنای متعارف و آشکار، ضریب خطا را افزایش می‌دهد. چنان‌که برخی گفته‌اند رویکرد بسیار عینی ممکن است از قصد طرفین دور باشد و تفسیری که از طریق آن به دست می‌آید، با قصد طرفین منطبق نباشد؛ چرا که این رویکرد (متن‌گرایی) قصد طرفین را کاملاً تابع کلمات و متن می‌کند (Mitchell, 2019: 13). در عین حال، برخی این استدلال را رد می‌کنند و بر این باورند که الفاظ و عبارات قرارداد، معانی متعلق به خود را دارند و از آنجا که کاربرد الفاظ و عبارات، یک شیوه ارتباطی اجتماعی است، می‌توان به آن اطمینان کرد (Ammann, 2020: 198).

رویکردی که در تفسیر بر متن قرارداد تمرکز می‌کند، دو مشکل اساسی دارد: اول اینکه بسیاری از قراردادهای رسمی به وسیله وکلا و مؤسسات تجاری نوشته می‌شوند و در این حالت، این تردید ایجاد می‌شود که متن قرارداد به چه میزان می‌تواند منعکس‌کننده قصد طرفین باشد. دوم اینکه ممکن است یک سابقه معاملاتی طولانی و پایدار بین طرفین قرارداد وجود داشته باشد و متن قرارداد ممکن است منعکس‌کننده رویه‌ها و انتظارات طرفین از روابط و تعهداتشان نباشد. در این حالت مراجعه به متن قرارداد و معنا دادن به شروط و تعهدات قراردادی از منظر شخص معقول، الزاماً با قصد واقعی طرفین منطبق نیست و یک تفسیر غیر واقعی را در اختیار مفسر قرار می‌دهد (Ibid.).

عمده‌ترین ایراد بافت‌گرایان به متن‌گرایان این است که متن‌گرایان از دادگاه می‌خواهند که قرارداد صرفاً در چارچوب متن قرارداد تفسیر شود و ادله تفسیری، محدود به متن قرارداد باشد و این، دقت تفسیر را کاهش می‌دهد؛ در حالی که تفسیرهای بافت‌گرایانه دقت بیشتری در رسیدن به قصد طرفین دارند. از این جهت،

طرفین قرارداد، تفسیر بافت گرا را ترجیح می دهند. همچنین بافت گرایان معتقدند که واژه‌ها بدون توجه به زمینه‌ای که در آن ایجاد و استمرار یافته‌اند، فاقد معنا هستند و بافت در تفسیر نقش اساسی ایفا می کند؛ برای مثال، قراردادی را در نظر بگیرید که کارفرما احداث سازه‌ای را برای نگهداری مواد شیمیایی خطرناک با پیمانکاری منعقد کرده و پیمانکار سازه‌ای با استفاده از مواد چوبی تحویل کارفرما داده است. اگر طرفین در کیفیت ساخت و نوع مواد این سازه با هم اختلاف کنند و پیمانکار مدعی باشد که مطابق قرارداد آن را ساخته است و کارفرما با ادعای وی مخالف باشد، با فرض اینکه کارفرما هنگام قرارداد، پیمانکار را از کاربری سازه مطلع نکرده باشد و قرارداد در این مورد ساکت باشد، طبیعتاً دادگاه بدون توجه به بافت و تحقیق در مورد کسب و کار کارفرما و طرح او نمی‌تواند قرارداد را برای تحویل سازه‌ای که برای نگهداری مواد شیمیایی (غیر چوبی) است، تفسیر کند و برای کشف قصد واقعی طرفین، ناگزیر از تفسیر بافت گراست (Schwartz & Scott, 2010: 952-953).

کلمات و عبارات قراردادی، چنانچه فاقد ابهام باشند، گویای قصد طرفین‌اند و در وهله اول باید ملاک عمل قرار گیرند؛ مگر اینکه دلایلی وجود داشته باشد که خلاف آن را اثبات کند. این امر از اهمیتی ویژه برخوردار است؛ زیرا نمی‌توان به حقوق اشخاصی که با حسن نیت و به معنای عینی واژه‌های قرارداد اتکا کرده‌اند، لطمه وارد کرد. در عرصه اجتماعی باید فرض را بر این گذاشت که طرفین به اهمیت سند مکتوب آگاه بوده و به معنای ظاهری زبان مورد استفاده رضایت داده‌اند (Davies, 2013: 455-456). الزامات ظاهری و توجه به معنای متعارف و آشکار، تضمین‌کننده اعتماد و انتظارات معقول است و موجب افزایش قطعیت و قابلیت پیش‌بینی در معاملات تجاری می‌شود. از سوی دیگر، اینکه طرفین قرارداد به دلیل عدم رعایت برخی قواعد نگارشی و ظاهری زبان، به معنایی ملزم شوند که (به طور ذهنی) قصد آن را نداشته‌اند و نتوانند توافقی‌های خود را اجرا کنند، باعث می‌شود که مفاهیم آزادی قرارداد، استقلال و لزوم اجرای تعهدات در قراردادها خدشه‌دار شود (Bix, 2012: 60-61). در بافت گرابی، توجه به گستردگی عناصر شکل‌دهنده قرارداد، به مفسر آزادی عمل می‌دهد تا بتواند مجموعه‌ای از توجیها و استدلالاتی را که تضمین‌کننده آزادی

قراردادی است، فراهم کند؛ در حالی که مراجعه مستقیم مفسر به قاعده معنای متعارف و آشکار می‌تواند به عنوان یک محدودیت عمل کند. قاعده معنای متعارف و آشکار در حقوق قراردادها، تنها نقطه مورد اعتماد است؛ چرا که معانی الفاظ و عبارات قراردادی را به طور معقول تعیین می‌کند. بر این اساس، به کارگیری این قاعده به لحاظ نظری، مفسر را از توجه گسترده به بافت بی‌نیاز می‌کند. در نقطه مقابل، گستردگی بافتی که قرارداد در آن شکل گرفته است، این اشکال را در خود دارد که ممکن است تفسیر را به یک تحلیل بسیار باز و گسترده تبدیل کند و معانی متعددی را پیش روی مفسر قرار دهد. در این حالت، هیچ نقطه‌ای برای شروع و بازگشت به پرسش تفسیری، که همان معنا دادن به لفظ یا عبارت مورد اختلاف است، وجود نخواهد داشت و مفسر در یک فرایند تفسیری نامحدود و بی‌اتها وارد خواهد شد. از آنجا که متن ذاتاً غیرقابل اطمینان و ناپایدار است، برای غلبه بر این ناپایداری، یا باید یک روش تفسیری را اتخاذ کرد که نتیجه مشخصی در پی داشته باشد یا اینکه باید روشی جایگزین در مهار تفسیر در نظر گرفت. این چاره‌اندیشی، فضای نامحدود تفسیر را محدود و مشخص می‌کند (Mitchell, 2019: 11-12).

استدلال‌های یادشده نشان می‌دهند که متن‌گرایی و بافت‌گرایی هر دو مدعی‌اند که در کشف قصد طرفین کارآمد هستند؛ با این تفاوت که متن‌گرایان بر این باورند که تنها راه کشف قصد طرفین، توجه به متن است و انحراف از متن قرارداد منجر به انحراف از قصد طرفین می‌شود. مبنای اطمینان آنان به این استدلال، ویژگی اجتماعی زبان است. کلمات و عبارات در نظر آنان، حاوی معانی مشخص و ثابتی هستند و طرفین قرارداد نیز مقاصد خود را از این طریق به یکدیگر منتقل می‌کنند. در مقابل، بافت‌گرایان استدلال دیگری دارند؛ آنان بر این باورند که الفاظ و عبارات به کاررفته در قرارداد بدون توجه به بافتی که در آن شکل گرفته‌اند، فاقد معنا هستند و قصد واقعی طرفین، هنگامی قابل دستیابی است که به بافت و زمینه عبارات و الفاظ توجه شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اگرچه رویکرد بافت‌گرا، ابزار گسترده‌تری برای احراز کشف قصد طرفین دارد، اما

در نگاهی کلان می‌توان گفت که دلایل طرفداران هر یک از این رویکردها برای کشف قصد طرفین قرارداد موجه است و ارزیابی ادله هر یک از این رویکردها، مخاطب را به نقطه تکافوی ادله می‌رساند. ترجیح هر یک از این رویکردها بر دیگری، بستگی به این مسئله دارد که کدام یک از ارزش‌های نظام حقوقی در نظر مفسر، بر دیگر ارزش‌ها اولویت داشته باشد. اگر در یک نظام حقوقی، قرارداد به عنوان یک نهاد حقوقی ارزشی ذاتی داشته باشد، کشف قصد واقعی، یگانه راه رسیدن به این هدف خواهد بود و برای کشف قصد واقعی، رویکرد بافت‌گرا قابلیت بیشتری برای تحقق بخشیدن به این ارزش را دارد؛ چرا که با به کارگیری ادله‌ای گسترده، دقت بالاتری در کشف قصد واقعی نسبت به متن‌گرایی دارد. در مقابل، اگر قرارداد صرفاً ابزاری برای تحقق ارزش‌های اقتصادی همچون سود حداکثری، پیش‌بینی‌پذیری و کارایی باشد، رویکرد متن‌گرا برای محقق کردن این اهداف و ارزش‌ها مناسب‌تر است. بنابراین ترجیح هر یک از این رویکردها مستلزم تعیین رویکرد هر یک از نظام‌های حقوقی به قرارداد است و بدون توجه به این امر به عنوان مسئله‌ای پیشینی، ارزیابی این رویکردها به نحو منطقی امکان‌پذیر نیست.

کتاب‌شناسی

۱. اصغری آقشهیدی، فخرالدین، و محمدحسین تقی‌پور درزی نقیبی، «مطالعه تطبیقی تأثیر عرف و عادت در تفسیر قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، *دوفصلنامه مطالعات حقوقی تطبیقی*، سال هشتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ ش.
۲. افضل‌ی، عبدالواحد، مهدی شهابی، و محمد مهدی الشریف، «عبور از تفسیر قرارداد به تحول قرارداد؛ تأملی در اجتماعی شدن حقوق قراردادها»، *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، سال هفتم، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۸ ش.
۳. امامی، سیدحسن، *حقوق مدنی*، تهران، اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۴. انصاری، مهدی، *تحلیل اقتصادی حقوق قراردادها*، تهران، جاودانه، جنگل، ۱۳۹۳ ش.
۵. حبیبی، محمود، *تفسیر قراردادهای تجاری بین‌المللی*، تهران، میزان، ۱۳۹۲ ش.
۶. داراب‌پور، مهرباب، «تفسیر قراردادهای تجاری بین‌المللی و شروط مبهم آن»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ضمیمه شماره ۵۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ ش.
۷. شعاریان، ابراهیم، و ابراهیم ترابی، *حقوق تعهدات؛ مطالعه تطبیقی طرح اصلاحی حقوق تعهدات فرانسه با حقوق ایران و اسناد بین‌المللی*، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۳ ش.
۸. شهیدی، مهدی، *حقوق مدنی؛ جلد دوم: اصول قراردادها و تعهدات*، تهران، مجد، ۱۳۹۱ ش.
۹. شیرینی، مهرداد، احمد باقری، و محمدعلی خورسندیان، «تعارض در قرارداد و کارایی قواعد اصولی در تفسیر آن»، *دوفصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، سال هفتم، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش.
۱۰. صاحبی، مهدی، *تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی*، تهران، ققنوس، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. طباطبائی، سیدمحمدصادق، و حمید آزابی، «مطالعه تطبیقی مفهوم "اصل صحت" در تفسیر قراردادها»، *فصلنامه نامه مفید*، سال هفدهم، شماره ۸۸ (فصلنامه حقوق تطبیقی، جلد ۷، شماره ۲)، زمستان ۱۳۹۰ ش.
۱۲. علومی یزدی، حمیدرضا، و بابک بابازاده، «شیوه‌های تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایران و انگلستان»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی (پژوهش حقوق و سیاست سابق)*، سال دوازدهم، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۹ ش.
۱۳. علوی، سیدمحمدتقی، و بابک بابازاده، «تفسیر قرارداد در نظام حقوقی کامن‌لا»، *دوفصلنامه علامه*، سال دهم، شماره ۲۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ ش.
۱۴. قشقایی، حسین، *شیوه تفسیر قراردادهای خصوصی در حقوق ایران و نظام‌های حقوقی معاصر*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۱۵. کاتوزیان، ناصر، «تفسیر قرارداد»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دانشگاه تهران شماره ۷۰، زمستان ۱۳۸۴ ش.
۱۶. همو، *حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها (جلد سوم: آثار قرارداد)*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰ ش.
۱۷. کرمی کلمتی، فرزاد، و رضاحسین گندمکار، «اصل حسن نیت و انصاف در تفسیر قراردادها در حقوق ایران و انگلستان»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف*، سال چهارم، شماره ۱۲، بهار ۱۴۰۰ ش.
۱۸. مافی، همایون، و حسام کدیور، «جایگاه منطق در تفسیر قرارداد در داوری تجاری بین‌المللی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷ ش.
۱۹. محقق داماد، سیدمصطفی، جلیل قنوتی، سیدحسن وحدتی شبیری، و ابراهیم عبدی‌پور، *حقوق قراردادها در فقه امامیه*، تهران، سمت، ۱۳۹۰ ش.

20. Ammann, Odile, *Domestic Courts and the Interpretation of International Law: Methods and Reasoning Based on the Swiss Example*, Leiden, Brill/Nijhoff, 2020.
21. Bagchi, Aditi, "Risk-Averse Contract Interpretation," *Law and Contemporary Problems*, Vol. 82(4), 2019, <<https://ssrn.com/abstract=3595849>>.
22. Barak, Aharon, *Purposive Interpretation in Law*, Princeton & Oxford, Princeton University Press, 2005.
23. Barnes, Jeffrey, "Contextualism: 'The Modern Approach To Statutory Interpretation'," *University of New South Wales Law Journal*, Vol. 41(4), 2018.
24. Baude, William & Ryan D. Doerfler, "The (Not So) Plain Meaning Rule," *University of Chicago Law Review*, Vol. 84(2), 2017.
25. Bayern, Shawn J., "Contract Meta-Interpretation," *University of California, Davis, Law Review*, Vol. 49(3), 2016.
26. Benoliel, Uri, "The Interpretation of Commercial Contracts: An Empirical Study," *Alabama Law Review*, Vol. 69(2), 2017.
27. Bix, Brian H., *Contract Law: Rules, Theory, and Context (Cambridge Introductions to Philosophy and Law)*, Cambridge, Cambridge University Press, 2012.
28. Burton, Steven J., "A Lesson on Some Limits of Economic Analysis: Schwartz and Scott on Contract Interpretation," *Indiana Law Journal*, Vol. 88(1), 2013.
29. Id., *Elements of contract interpretation*, 1st Ed., New York, Cambridge University Press, 2009.
30. Catterwell, Ryan, *A Unified Approach to Contract Interpretation*, Oxford, Hart, 2020.
31. Corbin, Arthur Linton, *Corbin On Contracts*, 8 Volumes, St. Paul, Minnesota, West Publishing Company, 1960.
32. Cunningham, Lawrence A., "Contract Interpretation 2.0: Not Winner-Take-All But Best-Tool-For-The-Job," *The George Washington Law Review*, Vol. 85(6), 2018.
33. Davies, Paul S., "Construing Commercial Contracts: No Need for Violence," in: Michael Freeman & Fiona Smith (Eds.), *Law and Language*, Oxford, Oxford University Press, 2013.
34. Epstein, David G. & Timothy Archer & Shalayne Davis, "Extrinsic Evidence, Parol Evidence, and the Parol Evidence Rule: A Call for Courts to Use the Reasoning of the Restatements Rather than the Rhetoric of Common Law," *New Mexico Law Review*, Vol. 44(1), 2014.
35. Fish, Stanley, "There is No Textualist Position," *San Diego Law Review*, Vol. 42(2), 2005.
36. Garner, Bryan A., *Black's Law Dictionary*, 9th Ed., St. Paul, Minnesota, West Publishing Company, 2009.

37. Gilson, Ronald J. & Charles F. Sabel & Robert E. Scott, "Text and Context: Contract Interpretation as Contract Design," *Cornell Law Review*, Vol. 100(1), 2014.
38. Goldstein, Aaron D., "The Public Meaning Rule: Reconciling Meaning, Intent, and Contract Interpretation," *Santa Clara Law Review*, Vol. 53(1), 2013.
39. Hutchison, Andrew, "Chapter 18: Contractual interpretation: the South African blend of common, civil and indigenous law in comparative perspective," in: Pier Giuseppe Monateri (Ed.), *Comparative Contract Law*, 1st Ed., Massachusetts, Edward Elgar, 2017.
40. Klass, Gregory, "Contracts, Constitutions, and Getting the Interpretation-Construction Distinction Right," *The Georgetown Journal of Law & Public Policy*, Vol. 18(1), 2020, <<https://scholarship.law.georgetown.edu/facpub/2146>>.
41. Id., "Contract Exposition and Formalism," Georgetown Law Faculty Publications and Other Works, 2017, <<https://scholarship.law.georgetown.edu/facpub/1948>>.
42. Id., "Interpretation and Construction in Contract Law," Georgetown Law Faculty Publications and Other Works, 2018, <<https://scholarship.law.georgetown.edu/facpub/1947>>.
43. Kostritsky, Juliet P., "Judicial Incorporation of Trade Usages: A Functional Solution to the Opportunism Problem," *Connecticut Law Review*, Vol. 39(2), 2006, <https://scholarlycommons.law.case.edu/faculty_publications/536>.
44. Kraus, Jody S. & Robert E. Scott, "Contract Design and the Structure of Contractual Intent," *New York University Law Review*, Vol. 84(4), 2009, <https://scholarship.law.columbia.edu/faculty_scholarship/580>.
45. Mahoney, Curtis J., "Treaties as Contracts: Textualism, Contract Theory, and the Interpretation of Treaties," *The Yale Law Journal*, Vol. 116(4), 2007.
46. McLauchlan, David, "Contract Interpretation: What Is It About?," *Sydney Law Review*, Vol. 31(1), 2009.
47. Mitchell, Catherine, *Interpretation of Contracts*, 2nd Ed., London & New York, Routledge, 2019.
48. Id., "Interpreting Commercial Contracts: The Policing Role of Context in English Law," in: Larry DiMatteo & Martin Hogg (Eds.), *Comparative Contract Law: British and American Perspectives*, 2015 (Published to Oxford Scholarship Online, January 2016).
49. Murray, John E., Jr. & Timothy Murray, *Corbin on Contracts Desk Edition*, Massachusetts, Danvers, Matthew Bender & Company, 2017.
50. Orsinger, Richard R., "The law of interpreting contracts," Presented in the State Bar of Texas' Advanced Civil Appellate Practice Course, Four Seasons Hotel, Austin, Texas, 2007.
51. Peller, Gary, "The Metaphysics of American Law," *California Law Review*, Vol. 73(4), 1985.

52. Schwartz, Alan & Robert E. Scott, "Contract Interpretation Redux", *The Yale Law Journal*, Vol. 119(5), 2010, <https://scholarship.law.columbia.edu/faculty_scholarship/337>.
53. Id., "Contract Theory and the Limits of Contract Law," *The Yale Law Journal*, Vol. 113(3), 2003.
54. Silverstein, Joshua M., "Contract Interpretation Enforcement Costs: An Empirical Study of Textualism versus Contextualism Conducted via the West Key Number System," *Hofstra Law Review*, Vol. 47(3), 2019.
55. Smith, Peter J., "Textualism and Jurisdiction," *Columbia Law Review*, Vol. 108(8), 2008.
56. Yalim, Ayse Nihan Karadayi, *Interpretation and Gap Filling in International Commercial Contracts*, Cambridge, Intersentia, 2019.